

نشانی برای دریافت و انتشار

ایمیل های شما

Info.sabz1388@googlemail.de

تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

۷۲

۳۰ آذر ۱۳۸۸



اولین روزنامه اینترنتی

سبز  
GREEN  
NEWS PAPER

شب یلدای ما روز است نه شب!

صفحه: ۱۷

گزارش خبرگزاری ها:

۸۰۰ هزار نفر بادستند سبز در مراسم تشییع مرجع



عزا است امروز روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز

منتظری، منتظری آزادیت مبارک

منتظری مظلوم راحت ادامه دارد حتی اگر دیکتاتور بر ما گلوله بارد

مرگ بر دیکتاتور

نصر من اله و فتح القریب مرگ بر این دولت مردم فریب

فقیهی که جور دیگر می دید

مجموعه مطالب از:

نوشابه امیری، علی افشاری، آرش بهمنی، مزدک بامدادان،

محمد آزاد جلالی زاده، شادی صدر، فرج سرکوهی، عبدالکریم سروش،

فاطمه شمس، جواد طالعی، شیرین عبادی، ناصر کاخساز،

ابراهیم نبوی، سهیلا وحدتی

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:

شهلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه

هزار و سیصد و هشتاد و هشت



واحد مرکزی خبر، خبرگزاری و وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز در خبری نوشته است: "در حاشیه مراسم تشییع و تدفین آیت الله حسینعلی منتظری و با وجود درخواست خانواده ایشان درباره پرهیز از منحرف کردن این مراسم، عده ای سعی کردند با شعارهای افراطی و ساختارشکن، فضایی جنجالی و ملتهب به وجود آورند که با واکنش مردم روبرو شدند." گفته می شود که آیت الله منتظری وصیت کرده بود در محلی در حرم حضرت معصومه در قم دفن شود اما با توجه به اختلاف وی و رهبری جمهوری اسلامی، در مورد اجرای این خواست آیت الله فقید تردیدهایی ابراز می شد.

پیش از تدفین آیت الله منتظری، سایت پارلمان نیوز، پایگاه فراسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی، گزارش کرد که موافقت اولیه برای خاکسپاری آیت الله منتظری در حرم حضرت معصومه از پیش کسب شده است.

این سایت به نقل از ناصر منتظری، نوه آیت الله، گزارش کرد که موافقت اولیه برای دفن آیت الله در کنار مزار محمد منتظری، فرزند او در داخل حرم، گرفته شد.

ناصر منتظری به خبرنگار پارلمان نیوز گفت که "اگر اختلافاتی بر سر محل دفن ایشان مطرح بوده، بین خود مسئولان بوده و به بیت ایشان چیزی منتقل نشده است".

او همچنین گفته است که وصیت نامه آقای منتظری در اختیار فرزند ارشد او است و قرار است در سایت آیت الله منتظری منتشر شود.

در ایران مراسم روز سوم، هفتم و چهارم درگذشتگان هم به طور سنتی رایج است و انتظار می رود به مناسبت درگذشت آیت الله منتظری نیز چنین مراسمی برگزار شود.

گزارش های رسیده از تعطیلی بازار و برگزاری مراسم عزاداری در نجف آباد، محل تولد آیت الله منتظری حکایتی دارد.

از اصفهان هم به نقل از شاهدان عینی خبر می رسد که مردم عزادار در میدان امام خمینی تجمع کرده و مشغول عزاداری بوده اند

منبع: بی - بی سی

## موسوی و کروی در قم



پیکر آیت الله منتظری، مرجع شیعه در میان انبوه هواداران در قم تشییع و خاکسپاری شد و گزارش ها از شهر قم حاکی است که مهدی کروی و میرحسین موسوی رهبران معترضان در میان انبوه تشییع کنندگان آیت الله منتظری حضور داشته اند. گزارش های نیمه رسمی از محل برگزاری مراسم

آیت الله برگزار می شود شرکت کنند. خبرگزاری رویتر به نقل از شاهدان عینی، شمار عزاداران را "صدها هزار تن" گزارش کرده و سایت کلمه، متعلق به میرحسین موسوی، از رهبران مخالف دولت، هم گفته است که تشییع پیکر آیت الله منتظری با حضور صدها هزار نفر از نقاط مختلف کشور به سوی حرم حضرت معصومه تشییع شد.

آقای موسوی و مهدی کروی، رهبران مخالف دولت به همراه شماری از مراجع تقلید، روحانیون ارشد و فعالان سیاسی، از جمله آیت الله یوسف صانعی، آیت الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی، محمود هاشمی شاهرودی، قربانعلی دری نجف آبادی، علی اکبر محتشمی پور، هادی غفاری، هادی خامنه ای (برادر رهبر جمهوری اسلامی)، غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران، حبیب الله پیمان و عزت الله سحابی از چهره های ملی مذهبی در مراسم تشییع حضور داشتند.

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت و محمد خاتمی رئیس جمهور سابق نمایندگانی را برای شرکت در مراسم خاکسپاری آیت الله منتظری به قم فرستاده بودند. از طرف آقای هاشمی رفسنجانی، آقایان نوری شاهرودی و علمی حسینی و از طرف آقای خاتمی نیز محمد شریعتی دهاقان در این مراسم شرکت داشتند.

یک شاهد عینی به بی بی سی گفت که مأموران مانع از ورود آیت الله صانعی به داخل صحن حرم حضرت معصومه، محل دفن آیت الله منتظری شدند که این امر اعتراض گروهی از مردم حاضر در صحنه را برانگیخت.

### تش های پراکنده

شاهد عینی دیگری به بی بی سی فارسی گفت که پس از مراسم تشییع جنازه، برخی نیروهای لباس شخصی به گروهی از تشییع کنندگان حمله کردند و درگیری های پراکنده ای اتفاق افتاد.

به گفته او، این نیروها به پاره کردن پوسترهای آیت الله منتظری اقدام کردند و کوشیدند هواداران را از اطراف بیت او متفرق کنند.

آقایان موسوی و کروی به مناسبت درگذشت آیت الله منتظری عزای عمومی اعلام کرده و از مردم خواسته بودند در مراسم عزاداری آیت الله شرکت کنند.

برخی گزارش ها حاکی از آن بوده که مأموران دولتی در چند شهر از جمله تهران، از عزیمت چند دستگاه اتوبوس حامل فعالان سیاسی منتقد دولت برای شرکت در مراسم تشییع جنازه آیت الله منتظری جلوگیری کرده اند یا به بازرسی آنها پرداخته اند. سایت کلمه هم از اقدام مأموران در متوقف ساختن یک اتوبوس حامل دانشگاهیان و فعالان سیاسی که از تبریز عازم قم بوده خبر داده است.

گزارش هایی هم از دستگیری برخی افراد که به قصد شرکت در مراسم تشییع جنازه آقای منتظری عازم قم بودند، منتشر شده است.

یک شاهد عینی به بی بی سی فارسی گفت که زمانی که مراسم تشییع جنازه در قم جریان داشت، محدودیت امنیتی چندان به چشم نمی خورد، اما حضور مأموران امنیتی محسوس بود.

او گفت که در جریان تشییع پیکر آیت الله منتظری، برخی شعارهای متداول مخالفان هم داده شد. به گفته وی در بعضی از این شعارها به تندگی از رهبران ایران انتقاد می شد.

## وداع با مرجع سبز

### تشییع میلیونی



مراسم خاکسپاری آیت الله حسینعلی منتظری با حضور جمعیت بزرگی از هواداران و شخصیت های مذهبی و سیاسی ایران در قم برگزار شد، اما به گفته فرزند آقای منتظری، پس از پایان این مراسم بیت او به محاصره نیروهای انتظامی و نظامی در آمد.

به گزارش خبرگزاری های خارجی بیش از ۸۰ درصد از شرکت کنندگان که بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر بودند با نمادهای سبز در این مراسم شرکت کردند. حامیان جنبش سبز شعار عزای عزاست امروز روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز سر دادند.

پیکر آیت الله حسینعلی منتظری، از مراجع تقلید شیعه و از متفقدان سرشناس رهبران کنونی جمهوری اسلامی، روز دوشنبه، ۲۱ دسامبر (۳۰ آذرماه) در شهر قم، محل اقامت او، تشییع و پس از اقامه نماز به امامت آیت الله موسی شبیری زنجانی در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.

قرار بود دوشنبه شب مراسمی هم در مسجد اعظم قم برگزار شود که به گفته فرزند آقای منتظری این مراسم از جانب خانواده او لغو شده است.

سعید منتظری به بی بی سی فارسی گفت که اعضای خانواده مطلع شده اند که مسجد اعظم از ساعت ها قبل، توسط نیروهای بسیج و سپاه پر شده و به همین دلیل مراسم دوشنبه شب را لغو کرده اند.

سعید منتظری گفت: "اطراف منزل مثل حکومت نظامی شده و انواع و اقسام نیروهای نظامی و انتظامی با سپر و باتوم در آنجا مستقر شده اند و اجازه رفت و آمد به بیت را نمی دهند".

مراسم تشییع آقای منتظری که حدود ساعت ۹ بامداد از برابر خانه او آغاز شد در حالیکه جمعیت کثیری از عزاداران، خودرو حامل پیکر آیت الله فقید را تا محل اقامه نماز میت مشایعت می کردند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا - قبل از اقامه نماز، پیام تسلیت آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، و پس از آن، پیام احمد منتظری، فرزند آیت الله حسینعلی منتظری، قرائت شد.

یک شاهد عینی به بی بی سی فارسی گفت که در هنگام خوانده شدن پیام آیت الله خامنه ای، گروهی از تشییع کنندگان با فریاد کشیدن و سر دادن شعار نسبت به آن اعتراض کردند.

بر اساس گزارش ایلنا، احمد منتظری در سخنان خود از سوگواران خواست تا پس از پایان مراسم نماز، صحن حرم را ترک کنند و از آنان دعوت کرد تا در مراسم عزاداری که بعد از ظهر دوشنبه در حسینیه



## راههای سبز

تشییع و خاکسپاری آیت‌الله منتظری حاکی از آن است که پس از پایان مراسم که بر اساس تخمین‌ها صدها هزار نفر در آن شرکت کرده‌اند، هزاران نفر از مردم در خیابان‌های اطراف حرم فاطمه معصومه، محل خاکسپاری، دست به راهپیمایی زدند و درگیری‌هایی هم بین تظاهرکنندگان و نیروهای دولتی گزارش شده است.

تظاهرکنندگان همچنین شعارهایی در حمایت از جنبش سبز ایران و در دفاع از آیت‌الله منتظری سر داده‌اند.

یک شاهد عینی به رادیو فردا گفت که ازدحام جمعیت در مسیر تشییع آیت‌الله منتظری به حدی بود که عبور خودروی حامل پیکر وی، بارها با مشکل روبه‌رو شد.

این شاهد عینی گفت که جمعیت زیادی از هواداران و علاقه‌مندان به آیت‌الله منتظری برای شرکت در مراسم تشییع از شهرهای مختلف به قم آمده بودند. در میان تظاهرکنندگان، بسیاری از چهره‌های سیاسی پیشین جمهوری اسلامی، از جمله آیت‌الله طاهری اصفهانی حضور داشتند و گزارش‌های حاکی که میرحسین موسوی و مهدی کروبی هم در میان تشییع‌کنندگان بوده‌اند.

بر اساس گزارش‌های نیمه‌رسمی میرحسین موسوی یکشنبه شب وارد قم شد و به بیت آیت‌الله منتظری رفت. این گزارش‌ها همچنین تأیید می‌کنند که مهدی کروبی نیز شب گذشته وارد قم شده است تا در مراسم خاکسپاری آیت‌الله منتظری حضور یابد.

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در میان تشییع‌کنندگان آیت‌الله منتظری

این دو نامزد معترض به نتایج انتخابات که در ماه‌های اخیر از رهبران اعتراض‌های مردمی بودند، روز گذشته در بیانیه‌ای مشترک، ضمن اعلام عزای عمومی در روز دوشنبه، از مردم خواستند تا در مراسم تشییع آیت‌الله منتظری شرکت کنند.

همزمان از قم خبر می‌رسد که با پایان یافتن مراسم تشییع آیت‌الله منتظری، اجتماع هواداران آیت‌الله منتظری رنگ و بوی سیاسی بیشتری به خود گرفته است و تشییع‌کنندگان این مرجع حامی جنبش اصلاح‌طلبی، اقدام به سر دادن شعارهای سیاسی می‌کنند. همچنین خبرها حاکی از آن است که با پایان یافتن مراسم تشییع رفته رفته بر شمار نیروهای پلیس در شهر قم افزوده می‌شود.

علاوه بر رهبران معترضان و مراجع و چهره‌های برجسته سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هم روز یکشنبه در پیامی درگذشت آیت‌الله منتظری را تسلیت گفت و برخی سایت‌های خبری نوشتند که در زمینه برگزاری مناسب مراسم تشییع و خاکسپاری آیت‌الله منتظری، توصیه‌هایی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به مسئولان مربوطه صورت گرفته است.

با این حال انتشار این خبر باعث نشد که راهپیمایان معترض در شهرهای نجف‌آباد و قم، از سر دادن شعار علیه مقامات کنونی جمهوری اسلامی، به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای دست بردارند.

یک شاهد عینی در نجف‌آباد به رادیو فردا گفت که آموزش و پرورش این شهر، مدارس تمام مقاطع تحصیلی را در روز دوشنبه تعطیل اعلام کرده و بازار نجف‌آباد هم مانند روز یکشنبه یکپارچه تعطیل است.

وی گفت که مردم برای شرکت در مراسمی که امروز در شهر زادگاه آیت‌الله منتظری برگزار

خواهد شد، به سمت باغ ملی نجف‌آباد رفته‌اند و قرار است پس از اجتماع در باغ ملی به راهپیمایی در سطح شهر اقدام کنند.

وی همچنین گفت که گروه‌هایی از مردم نجف‌آباد و شهرهای اطراف برای شرکت در مراسم خاکسپاری و بزرگداشت آیت‌الله منتظری به قم رفته‌اند.

قرار است بعد از ظهر دوشنبه علاقه‌مندان به آیت‌الله منتظری در مسجد اعظم قم گرد هم آیند و به بزرگداشت این مرجع تقلید شیعه بپردازند.

منبع: رادیو فردا

### حاشیه‌های مراسم

کلمه: مراسم تشییع پیکر آیت‌الله منتظری حاشیه‌هایی در شهر قم داشت که برخی رسانه‌ها گوشه‌هایی از آن را منتشر کرده‌اند.

\* پارلمان‌نیوز گزارش داده که به لحاظ خدشه‌دار نشدن امنیت ملی تنها بخشی از حاشیه‌های مراسم باشکوه امروز را منتشر می‌کند.

\* انتقاد به عملکرد صدا و سیما و مواضع رسانه‌های حامی دولت در حوادث بعد از انتخابات محور بسیاری از انتقادات و شعارهای مردم بود.

\* بر اساس برخی گزارش‌های رسیده مردم علیه رسانه ملی و بخصوص برنامه خبری ۲۰:۳۰ شعار سر داده‌اند.

\* با توجه به عظمت جمعیت مردم می‌گفتند: ضرغامی ضرغامی مردی نمایش بده

\* سیدمحمدخامنه‌ای که اولین پیام تسلیت را در بین چهره‌های شاخص سیاسی او صادر کرد، از سوی برخی دوستان و همفکران از حضور در مراسم تشییع آیت‌الله منتظری منع شد.

\* بخش اعظمی از جمعیت تشییع‌کننده را شهروندان نجف‌آباد و اصفهان تشکیل می‌دادند.

\* در همین رابطه شنیده‌ها درگیری‌های پراکنده‌ای نیز در خود شهر نجف‌آباد رخ داده است.

\* بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان در مراسم امروز که به زعم رسانه‌های داخلی و خارجی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر بوده‌اند با نمادهای سبز در این مراسم شرکت کردند.

\* حامیان جنبش سبز شعار عزا عزا ست امروز روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز سر دادند.

\* جمعیت به قدری زیاد بود که خیابان‌ها اطراف حرم و بیت آیت‌الله منتظری مملو از جمعیت بود.

\* برخی نیروها دو بار اقدام به پرتاب کردن لنگه‌کش به مردم عزا دار کردند.

\* پشت‌بام تمامی مغازه‌ها و مهمانپذیرها و خانه‌های خیابان‌های اطراف محل برگزاری مراسم مملو از جمعیت بود.

\* نیروی انتظامی دوربین مردم عادی که از حضور مردم فیلمبرداری می‌کردند را جمع‌آوری کرد اما نیروهای خود به شخصه اقدام به فیلمبرداری می‌کردند.

\* مردم شعار «چقدر بهت پول دادند دوربین به دستت دادند» را در برخی نقاط سر دادند.

\* در این مراسم و پیش از برگزاری نماز میت به امام آیت‌الله شبیری زنجانی پیام مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت آیت‌الله منتظری قرائت شد.

\* بنا بر اطلاعات رسیده در صحن حضرت معصومه(س) صدای چند تیر هوایی شنیده شده است. برخی نیز از شلیک گاز اشک آور خبر داده‌اند.

\* در پایان مراسم با خروج مردم از صحن، برخی از نیروهای لباس شخصی با مردم درگیر شدند.

\* روحانیون جوانی از خانم‌هایی که حجاب کامل نداشتند فیلمبرداری می‌کردند.

\* نیروهایی در بازگشت مردم از مراسم تدفین بنر تسلیت آیت‌الله منتظری را پاره کردند و با مردم درگیر شدند که مردم شعار دادند: معلوم شد، معلوم شد عکس رو کی پاره کرده که اشاره‌ای بود به صحنه پخش شده از سیما مبنی بر پاره شدن و هتک حرمت به عکس امام راحل.

### درگیری

آخرین اخبار حاکی از استقرار گسترده نیروهای امنیتی در اطراف بیت آیت‌الله منتظری است. براساس گزارش‌های رسیده نیروهای امنیتی و انتظامی پس از پایان مراسم تشییع پیکر آیت‌الله منتظری با مردم درگیر شدند.

به گزارش نوروز از قم، نیروهای انتظامی در برابر بیت آیت‌الله منتظری، با مردمی که همچنان شعار می‌دادند برخورد کرده و مردم نیز به سوی آنها سنگ پرتاب کردند.

آخرین اخبار حاکی از استقرار گسترده نیروهای امنیتی در اطراف بیت آیت‌الله منتظری است.

### تجمع بسیجیان

سایت آینده نیز از قم گزارش داده با گذشت حدود یکساعت از اتمام دفن آیت‌الله منتظری گروه‌های از بسیجیان و طلاب به سمت بیت آیت‌الله منتظری حرکت کرده و یک طرف مسیر بلوار شهید محمد منتظری را اشغال کرده‌اند.

این طیف که تعدادشان بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر برآورد می‌شود شعارهای در حمایت از خامنه‌ای و علیه معترضین سر می‌دهند.

در سوی دیگر بلوار اطراف بیت آیت‌الله منتظری نیز هواداران وی تجمع کرده و متقابل شعار می‌دهند.

طرفین اقدام به پرتاب اشیا به سوی یکدیگر کرده اما نیروی انتظامی موتور سوار تاکنون دخالتی نکرده است.





### گزارش لحظه به لحظه از مراسم تشییع



الان او دم خون مراسم تشییع بسیار باشکوه بود و تمام خیابان ها مملو از جمعیت و تعداد زیادی هم دانشجویان از نقاط مختلف کشور آمده بودند. نیم ساعت پیش بلاخره نیروهای لباس شخصی در حوالی پل آنچی و همچنین پل حجتیه با مردم درگیر شدند صدای تیر هوایی و پرتاب گاز اشک آور آنجا را تبدیل به صحنه جنگ کرده است و مردم شعارهای تندی می دهند.

دهها هزار نفر از مردم از نقاط مختلف کشور خود را برای شرکت در این مراسم به شهر قم رسانده بودند. اکثر این جمعیت از شب گذشته در شهر قم حاضر شده و شب را در خیابان ها سپری کرده اند. از نخستین ساعات صبح تمامی خیابان های منتهی به بیت آیت الله منتظری و حرم حضرت معصومه از جمعیت عزادار مملو بود. جمعیت حاضر که نماد های سبز رنگ در دست داشتند شعارهایی چون الله اکبر، لا اله الا الله، یا حسین میر حسین، 20:30 خود عمرو عاصی، عزا عزاست امروز روز عزاست امروز فقیه نستوه ما پیش خداست امروز، یا حجت بن الحسن ریشه ظلم را بکن، سید حسن خمینی تسلیت تسلیت، صناعی تسلیت تسلیت، موسوی کروی تسلیت تسلیت، عزا عزاست امروز روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز، سر می دادند.

پس از پایان مراسم دفن جمعیت در خیابانهای اطراف حرم بویژه خیابان ارم دست به راهپیمایی و سردادن شعار بر علیه حکومت زدند. مسیرهای منتهی به این خیابانها بویژه از طرف صفائیه بسته شده است. سایت عصر ایران نیز از بسته شدن درهای حرم حضرت معصومه (س) خبر داد و در عین حال با اشاره به راهپیمایی معترضین از عدم برخورد و درگیری نیروهای نظامی با مردم خبر داد.

گروه فشار علی خامنه ای با در اختیار داشتن سیستم صوتی قوی وارد تشییع جنازه شده بودند که واکنش شدید جمعیت و با شعار «مزدور برو گم شو» (پس از درگیری مختصری، از جمعیت فاصله گرفتند).

### راهپیمایی بسیجیان در شهر قم

خبرنگار آینده از قم گزارش داد پس از اتمام تشییع جنازه و دفن آیت الله منتظری که با حضور صدها هزار نفر برگزار شد و تظاهرات و شعارهای ساختار شکنانه که طی آن بویژه علیه بسیجیان سر داده شد گروهی از بسیجیان با راهپیمایی در خیابان ارم اقدام به سر دادن شعارهایی نظیر منافق حیاکن شهرقم را رها کن کردند.

معترضین نیز که در اطراف بیت آیت الله منتظری قرار داشتند با شعار پول نفت چی شده خرج بسیجی شده پاسخ دادند.

گفتنی است در حال حاضر (11 و 30 دقیقه) وضعیت شهر بجز اطراف بیت آیت الله منتظری بحال عادی بازگشته است.

به گزارش خبرنگار رویداد از قم حسینیه و منزل آیت الله منتظری که در خیابان ساحلی قم و در فاصله کمتر از یک کیلومتری حرم حضرت معصومه قرار دارد در محاصره جمعیت قرار دارد به نحوی که خیابانهای تا فاصله ای طولانی مملو از جمعیت است. جمعیت حاضر در این منطقه اقدام به عزاداری و سردادن شعارهایی در تقدیر از آیت الله منتظری می کنند. دوبلندگی شعاردهندگان را هدایت می کنند که یکی از طرف بیت آیت الله منتظری و دیگری بصورت رسمی می باشد.

لحظاتی پیش در ساعت 9:30 دقیقه خودروی حامل پیکر آیت الله منتظری از بیت ایشان خارج و به سوی چهارراه حجتیه حرکت کرد. 9:40 گزارشات تکمیلی حکایت از آرامش در مراسم دارد و هیچگونه برخورد و درگیری تا این لحظه گزارش نشده است هر چند که شعار یا حسین، میر حسین شعارهایی علیه صداوسیما از طرف جمعیت سر داده می شود.

پس از حدود سی دقیقه از خروج جنازه از بیت آیت الله منتظری بدلیل ازدحام جمعیت تنها حدود 200 متر پیشروی کرده و هنوز به چهارراه صفائیه نرسیده است. هیات عزاداری رسمی که با سیستم صوتی قوی وارد تشییع جنازه شده بود پس از درگیری مختصری فاصله گرفته است. 9:55 لحظاتی پیش، خودروی حامل پیکر آیت الله منتظری به مقابل حرم حضرت معصومه (س) رسید و تابوت آن مرحوم بر روی دست تشییع کنندگان قرار گرفت تا به داخل حرم برده شود. آیت الله شبیری زنجانی، از مراجع تقلید، نماز میت را بر پیکر آیت الله منتظری اقامه خواهد کرد.

10:00 جمعیت حاضر بالغ بر صدها هزارتن تخمین زده می شود، تابوت آیت الله به حوالی حرم رسید. جمعیت شعار می دهند "این ماه ماه خون است، یزید سرنگون است"، "منتظری مظلوم راهت ادامه دارد، حتی اگر دیکتاتور بر ما گلوله بارد" و "روحانی با غیرت از آیت مبارک".

10:05 دانشگاه مفید قم که مدیریت آن بر عهده آیت الله موسوی اردبیلی است به مناسبت درگذشت آیت العظمی منتظری تعطیل شد.

10:10 شعارهای اعتراضی جمعیت حاضران همچنان ادامه دارد. جمعیت در حال افزایش است و سعس می کنند خود را به داخل حرم برسانند.

10:20 پیکر آیت الله العظمی منتظری از دقایقی وارد صحن حرم مطهر حضرت معصومه شد و هم اکنون نماز میت به امامت آیت الله شبیری زنجانی از مراجع تقلید در حال اقامه است. نماز میت با حضور دهها هزار تن از مردم عزادار و سیاهپوش در حال برگزاری است.

تا دقایقی دیگر پیکر آیت الله منتظری در حرم حضرت معصومه و در کنار قبر فرزند شهیدش محمد منتظری به خاک سپرده خواهد شد.

گروه های فشار هوادار علی خامنه ای در اطراف حرم دست نوشته هایی علیه آیت الله منتظری را بالای سر گرفته اند که این امر باعث ایجاد درگیری ها لفظی بین مردم و این افراد شده است.

10:25 پس از نماز طواف پیکر معظم له به دور حرم حضرت معصومه (س) آغاز شده است.

امکان ورود بسیاری از عزاداران به شهر قم بسیار مشکل شده است. نیروهای انتظامی و امنیتی از ورود مردم به شهر جلوگیری می کنند.

10:30 مراسم خاکسپاری حضرت آیت الله منتظری آغاز شده است. از بلندگو های صدای قرآن پخش

می شودو جمعیت در اطراف حرم همچنان در حال شعار دادن هستند. بر حضور نیروهای امنیتی اضافه شده است. شعارهای جمعیت تندتر شده است.

عزاداران تصاویر آیت الله منتظری را در دست گرفته و شعارهای حمایتی خود از جنبش سبز را فریاد می زنند. همچنین "حاضران شعار می دهند: "روحانی واقعی، مرگش یعنی زندگی.

همچنین جمعیت عزادار شعارهایی چون "الله اکبر"، "لا اله الا الله"، "یا حجت بن الحسن ریشه ظلم را بکن"، "سید حسن خمینی تسلیت تسلیت"، "صناعی تسلیت تسلیت"، "موسوی کروی تسلیت تسلیت"،

"عزا عزاست امروز روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز"، "عزا عزاست امروز روز عزاست امروز فقیه نستوه ما پیش خداست امروز" سر داده اند.

10:35 پیکر مطهر حضرت آیت الله العظمی منتظری در میان آندوه و غم عزاداران دفن شد. جمعیت شعار می دهند "تسلیت کینه ای نمی خوایم، نمی خوایم". "تنگ ما تنگ ما، صدا و سیما ما"

با وجود پایان یافتن مراسم خاکسپاری جمعیت همچنان در اطراف و داخل حرم حضور دارند.

10:40 درگیری های پراکنده در اطراف حرم حضرت معصومه گزارش شده است. جمعیت در حمایت از رهبران جنبش سبز شعار می دهند. از بلندگو های حرم و خیابان های اطراف صدای قرآن شنیده می شود.

پس از پایان مراسم دفن جمعیت در خیابانهای اطراف حرم بویژه خیابان ارم مشغول راهپیمایی و سردادن شعار علیه علی خامنه ای و دولت محمود احمدی نژاد هستند و مسیرهای منتهی به این خیابانها بویژه از طرف صفائیه بسته شده است. جمعیت شعار می دهند: "کروی بت شکن، بت بزرگ رو بشکن" و "مزدور برو گمشو".

10:45 نیروهای شبه نظامی هوادار دولت به تحریک جمعیت می پردازند. جمعیت علیه بسیج شعار می دهند. همچنین شعارهایی در حمایت از آیت الله صناعی داده می شود.

10:55 درب های حرم مطهر حضرت معصومه (س) بدلیل ازدحام جمعیت بسته شد. هر لحظه به تعداد نیروهای امنیتی افزوده می شود. درگیری های پراکنده در اطراف حرم میان عزاداران و نیروهای شبه نظامی گزارش می شود.

11:00 استقرار نیروهای امنیتی و یگان های ضد شورش در مصلی شهر قم مستقر شده اند. عزاداران در حال حاضر به سمت بیت آیت الله العظمی منتظری در حال حرکت هستند.

11:15 گروه های مختلف مردمی با شعارهای مختلف مذهبی و سیاسی ب سمت بیت آیت الله منتظری در حرکت هستند. در این میان درگیری های پراکنده ای در اطراف بیت آقای منتظری گزارش شده است. بیت ایشان از مردمی که اطراف خانه ایشان تجمع نموده اند، می خواهند که آرامش خود را حفظ نمایند.

مراسم عزاداری درگذشت آیت الله العظمی منتظری بعد از ظهر دوشنبه در مسجد اعظم قم برگزار می شود.

منبع: ایران امروز





### فقیهی که جور دیگر می دید

#### آیت اله العظمی منتظری از نگاههای گوناگون



#### هم حسین بود و هم علی نوشابه امیری

آیت الله العظمی حسینعلی منتظری، مرجع عالیقدر شیعیان، دیروز درگذشت تا در همزمانی هفتمین روز مرگش با حادثه عاشورا، به یادمان بیاورد که او هم حسین بود و هم علی. مظلوم ترین حسین ها و شجاع ترین علی ها. مردی که مرگ و زندگی اش، داستان سوگناک همه آرمان گرایانی است که خویش به قدرت نمی فروشند و قدرت، به پیشیزی نمی خردند. آنان، زنده که باشند، می شوند "امیدبی پناهان" و "خارچشم دشمنان"؛ مرگ شان نیز که برسد حکایت شان، حکایت همان باد که کسی پرسید: مگر می میرد؟ برای شناخت این حسین و علی، ضروری نیست دین داشته باشیم؛ آزاد اگر باشیم کافیم.

آیت الله العظمی حسینعلی منتظری، تصویر همواره "حسین" است؛ همان مرد تاریخ که داستانش نه از حکومتیان، که از واقعیت آموخته ایم؛ مردی که ظلم، تاب نیاورد و به نیرویی اندک، بر دشمنان تاخت تا در مرگش حماسه ایستادگی را معنا کند. همانکه با دسته های عزاداری دولتی، و باهماهنگی "ستادهای بحران" به میانه نمی آید؛ همو که همیشه هست تا نشانی باشد از شکنندگی قدرت ظلم و ظالم. همان حسین که هزاران سال است می جوشدخونش؛ همان که نامش، پیوند خورده ست به شورش و به خلق. این حسین را با "حسین" دولتی، هیچ نسبتی نیست؛ بیچاره مردی که تنها بر او گریستن باید و از مظلومیت دو طفلانش، صحرایی ساختن برای به بیراهه زدن. این حسین، در مرگش نیز زنده است و آدمیان رانه به گریستن، که به ایستادن می خواند.

آیت الله العظمی حسینعلی منتظری، بهترین تصویر "علی" است؛ مردی شهره به شجاعت؛ به انصاف، به ولایت مداری؛ به عدل، به درایت؛ به مهربانی. نه آن علی حکومتی که خون می بارد از شمشیر دو لبه اش؛ نه آنکه این الملمع می تراشد روز و شب، نه آنکه در کینه می خوابد و در نفرت برمی خیزد.

آیت الله العظمی حسینعلی منتظری - این حسین و این علی؛ این حسینعلی - در تیتیر روزنامه ها و در تصویرسیمها و صداهای اسلامی، زنده نیست. او را سپاهی و سردار و بسیجی، همراهی نمی کند. او مرتبت دینی اش از خبرگزاری فارس و ایرنانگرفته، که با نوشته آنان، خلع مرتبت شود؛ با توطئه و باندبازی هم مرجع نشده؛ که مرجعیتش با قدرت نظامی بیاید و با آزادی، از یاد برود. او آیت الله است؛ آیت الله العظمی. ولی به حق مسلمینی که سال هاست در غیاب پدران و برادران دربند، نان سفره

های کوچک شان، از بیت در حصر او می رسد. آنان که گاه به تنگ آمدن از "علی" های نا بحق این دوران، سنگ صبوری جز او نمی شناسند. با چه دلی باید گفت "نمی شناختند؟"

آیت الله منتظری، صورت نورانی پدر بزرگان ماست - نمی خواهم بگویم بود - دستان پاکیزه و پرمهر مادر بزرگ ها؛ سجاده های زیبایی که گاه گشودن، عطرشان جان را می نواخت.

آیت الله منتظری، همان حس روحانی است - نمی خواهم بگویم بود - که کودکی های معصومانه ما در امامزاده ها با آن پر می شد. همان اماکن مقدس که گاه دخول به آنان، داوطلبانه، چادر تاشده مادر را سر می کردیم و گاه خروج، پس پسگی می رفتیم که توهین نکرده باشیم به حریم آقا.

آیت الله منتظری، صدای تسبیح انداختن مادر بزرگ است؛ پچ پچ نرم مادر آنگاه که دعا می کند: خداوندا؛ بچه ام را به تو سپردم.

آیت الله العظمی، آن نگاه انسانی ست که ما را در میان جمع های بزرگ نیز می دید؛ از آندوه نگاهمان در می یافت که زندانی داریم؛ نامه های ما را می گرفت؛ می خواند؛ پاسخ می داد. و آخر سر به مهربانی می پرسید: کار دیگری هست؟ و اشاره اش به این بود که زندگی را چگونه می گذرانی تا دریایی که نانی هست برای تقسیم کردن.

آری؛ آیت الله العظمی منتظری، هم حسین است و هم علی؛ همیشه با ماست؛ مثل بوی مهربانی ها؛ بوی آدمیت؛ بوی مهر؛ بوی سجاده؛ رنگ شب کلاه پاکیزه پدر بزرگ. رنگ دعای مادر.

#### یه یاد تو در پای کوه می گریم علی افشاری

حضور پر رنگ آیت الله منتظری در تمامی صحنه های جنبش اصلاح طلبی و دموکراسی خواهی در دو دهه گذشته و حمایت بی دریغ و شجاعانه او از مطالبات ملت و ایستادگی در برابر استبداد دینی و بخصوص در اعتراضات اخیر مردم، وی را در جایگاه رفیع پدر معنوی و روحانی جنبش اصلاح طلبی قرار داده بود. حضور پر فیض ایشان تبلیغات دروغین حاکمیت را خنثی می کرد که خواسته های جنبش های اجتماعی و مردم در برخورداری از حقوق انسانی شان را به ضدیت با اسلام و دین ستیزی تعبیر می کرد.

آیت الله منتظری به دیار باقی شتافت و پس از عمری مجاهدت بی پایان با نفس و ظلم، تحمل سختی ها و شادان و ترویج نظری و عملی باور های تشیع راستین به آرامش ابدی دست یافت. او آبرو و فخر تشیع و مراجع در زمانه کنونی بود. او مصداق بارز این آیه قرآن بود که عاشر سعیدا و مات سعیدا. براستی زندگی وی سرشار از برکات گسترده ای بود که نام بلند او را برای همیشه بر صفحه تاریخ جاویدان می سازد. روح و جان او در مکتب تشیع علوی و بخصوص سیره عملی و نظری مولا امیرالمومنین پرورش یافته بود و همه عمرش با نهج البلاغه محشور بود. طنین کلمات روح نواز حضرت امیر از لابلای تفاسیر نهج البلاغه آن مرحوم، دل های مشتاق را سیراب می کرد. او مشی علوی را در زندگی اش پیاده کرد. در منظر او نیز قدرت و جاه و منال دنیا از آب بینی بز پست تر بود. اینچنین بود که

پست قائم مقامی رهبری را به کناری نهاد و برای حقیقت گویی، دفاع از حقوق مخالفان بویژه زندانیان سیاسی و روشنگری پیرامون انحراف از انقلاب به تکالیف و وظیفه اش عمل کرد. او نیز چون مولا امیرالمومنین که حاضر نشد بقاء حکومت جور و تزویر معاویه را به شکل مصلحتی قبول کند تا پس از آنکه پایه های حکومتش تثبیت شد، و او را برکنار کند، ایشان نیز حاضر نشد بر ظلم ها و کژروی ها سکوت کند تا پس از رسیدن به مقام رهبری توصیه ها و نظراتش را عملی سازد. ویژگی هایی چون دانش فقهی بالا، شجاعت، صراحت، بصیرت، انتقاد پذیری، اخلاق محوری، آزادی خواهی، ظلم ستیزی، مردم مداری، ساده زیستی، صداقت، فروتنی، مدارا و ذوق علمی به وی جایگاه برجسته ای در جامعه بخشیده بود. روحیه آزادی خواهانه و مظلوم نوازانه اش باعث شده بود تا ببینش مامن همه کسانی باشد که مورد اذیت و آزار حکومت واقع شده بودند. او قهرمان دفاع از حقوق مخالف بود و بخاطر دفاع از حقوق ملت و آزادی های اساسی عمری را در زندان و حصر خانگی گذراند و عطای قدرت را به لقایش بخشید. زندگی با برکت او مملو از تلاش برای ارائه چهره انسانی، عقلانی و لطیف از دین و مبارزه بی پایان با قرائت های خرافی و آمرانه از دین بود. از منظر این مرجع برجسته جهان تشیع، اسلام دینی است که بر قلوب انسان ها حکومت می کند و استفاده از زور و اجبار برای هدایت مردم مطرود است. حکومت بدون مقبولیت مردم شرعی نیست. او مجرای حاکمیت حق را پذیرش مردم می دانست. در کنار روشنگری و تلاش علمی و نظری برای ارائه نظامی مردم سالار در اندیشه سیاسی شیعه و تدوین احکام نوین فقه سیاسی، توجه ویژه ای در استخراج احکام جدید متناسب با نیاز های زندگی در دوران مدرن داشت. پاره ای از نوآوری های فقهی او از جمله در باب موسیقی بسیار جالب توجه بود که با شجاعت و غنای علمی خاص خودش آنها را عرضه کرده بود. او فقیهی بود که در متن جامعه حضوری فعال داشت و اجتهاد در دین را با روشنگری و آگاهی بخشی در جامعه ادغام کرده بود تا دنیا و آخرت مردم آباد شود. او تداوم آن دسته از فقهای شیعه بود که معنویت، انجام تکلیف الهی، رضایت مردم و پیشرفت و ترقی جامعه را مبنای کار قرار داده بود و به قدرت، جاه و جلال و زخارف دنیوی بی اعتنا بودند. به عبارت دیگر جایگاه اصلی مرجعیت را در جامعه مدنی و مردم مداری می دانستند. برای آنها رسیدن به قرب الهی بدون رضایت مردم ممکن نبود. در این دیدگاه روحانیت باید پناهگاه مردم از جور و تعدی ساخت قدرت و مدافع حقوق و منافع آنان باشد و از این منظر به کارکرد تحدید گرا و ارشاد گرایانه در برابر حوزه نفوذ قدرت قائل بودند و دعوی تصدی انحصاری قدرت و اداره امور سیاسی کشور را نداشتند. آیت الله منتظری ترجمان کارکرد و نقش مثبتی بود که روحانیت و علمای دینی می توانند خارج از چهارچوب قدرت و دولت در جامعه داشته باشند.

از منظر دیگر این عبد صالح پروردگار اهل استدلال و منطق بود و به شکل عقلانی از اصول اسلام و تشیع دفاع می کرد. زبان او عاری از تکفیر و تهدید بود. اهل گفتگوی انتقادی با نواندیشان دینی و روشنفکران عرفی گرا بود و هیچگاه از جایگاه دینی خود به عنوان امتیازی برای رویارویی با آنها



سیاست ایران. وی نه تنها آن زمان که در قدرت بود، همواره حرمت اخلاق را در جانب قدرت نگاه داشت، بلکه حتی آن زمان که در قامت یک اپوزیسیون ظاهر شد، هرگز اخلاق را به کناری نهاد و همواره در مبارزه خویش با "عمله استبداد و حمله فرانت فاشیستی از دین" آنچه را در درجه نخست مورد توجه قرار داد، اخلاق بود و از منظری اخلاقی، دست به نقد آنان زد که رای مردم را به کناری نهاده و سر در آخور سلطنت اسلامی دارند.

درس دومی که می باید از آیت الله منتظری فرا گرفت، شهامت در بیان عقاید است. در این سال ها بسیار شنیده ایم از آنان که خود را پاسدار مصلحت می دانند که بسیار خواهان حقیقت را بر خنر داشتند از بیان حقیقت یا لااقل نیمی از حقیقت. آیت الله منتظری اما با شهامت خویش، نشان داد که صراحت در بیان حقیقت بی شک خود عین مصلحت است و قربانی کردن حقیقت در پای مصلحت، قربانی کردن حقوق انسانی است؛ و تضییع شدن حقوق انسان ها همانی بود که آیت الله منتظری سال ها برای جلوگیری از آن جنگیده بود. از سوی دیگر این صراحت آیت الله منتظری باعث شد تا هرگز توجه وی از منبع و منشا اصلی استبداد در ایران، منحرف نشود و همواره نوک پیکان سخنان خویش را متوجه آن جایی کند که استبداد را بار دیگر در این ملک اهورایی باز تولید کرده است.

دیگر درس آیت الله منتظری برای آنان که دل بسته دموکراسی و آزادی هستند، شجاعت در اعتراف به اشتباه است. آنان که عمری را در مبارزه سیاسی گذرانده اند، بی شک در این راه فراز و فرودهای بسیاری داشته اند، گاهی بر زمین خورده اند و آن گاه باز برخاسته اند و به راه خویش ادامه داده اند. آنچه که اما در این میان مهم است شناخت اشتباهات، یافتن علت آن ها و تصحیح چنین مواردی است. بی شک هر چه که مقام و منزلت فردی بیشتر باشد، دامنه اشتباه و تبعات آن نیز بیشتر خواهد شد.

در طول تاریخ کم بوده اند افرادی که نه تنها اشتباهات تاریخی خود را یافته و در تصحیح آن به وسع خویش کوشیده، بلکه در انتظار عمومی نیز به آن اعتراف کرده باشند. آیت الله منتظری یکی از این افراد بود که نه تنها اشتباه خویش را پذیرفت، بلکه در انتظار عمومی نیز به آن اعتراف کرد و از آن تبری جست.

اکنون که آیت الله منتظری رخت از جهان فرو بسته است، به نظر می رسد آنچه که بیش و پیش از هر چیز می تواند باعث زنده نگه داشتن نام وی باشد، نه تعریف و تمجیدهای فراوان و نه نوشتن سوگ واره های ادبی و سخن راندن از سجایا و فضایل اخلاقی وی، که عمل است به آنچه که وی در این مدت از خود نشان داده است. پدر معنوی جنبش سبز، اکنون گرچه در میان ما نیست - و این عدم حضور را باید ضایعه ای بس بزرگ برای جنبشی دانست که علم دموکراسی و آزادی را بلند کرده است - اما حضور وی اکنون باید در میان ما، صورت روشن تر و واضح تری به خویش بگیرد. اعتراض به استبداد، ظلم و تضییع حقوق انسان ها، اعتراف به اشتباهات احتمالی در مسیر مبارزه و البته توجه ویژه به "انسان" - به عنوان غایت و هدف و نه یک وسیله - می تواند باعث شود آیت الله منتظری همواره در کنار ما باقی بماند. تصور می کنم اکنون باید به سبک شاملوی بزرگ مرتبه ای برای آیت الله سرود و گفت: "متبرک باد راه تو"

بزرگوار در مقاومت در برابر استبداد، دفاع از مظلوم، پاسداشت اخلاق؛ آزاد اندیشی، علم اندوزی و کشف حقیقت منبعی ارزشمند برای بر گرفتن توشه است.

برگزاری شکوهمند مراسم خاکسپاری او حداقل وظیفه همه کسانی است که دل در گرو حقیقت دارند. حضور گسترده مردم ضمن آنکه نشانگر قدرشناسی و سپاس عمومی از مردی است که شخصیت دینی و اجتماعی و رفاه شخصی خود را وقف میهن و ملت کرد، در عین حال فرصتی است برای نمایش برتری حق بر باطل و دفاع از قرانت انسانی و رحمانی از دین در برابر تفسیر واپس گرایی و خشونت آمیز. موعدهی است تا به صاحبان قدرت نشان داد که عزت و شرف واقعی در نیک نامی در بین مردم است و صرف متاع دنیا و پست های حکومتی برای کسی اعتبار نمی آورد و در برخی موارد چون حاکمان فعلی روسیاهی به بار می آورد.

حضور گسترده تاکید دیگری است که مرجع واقعی و روحانیت اصیل امثال منتظری ها هستند نه آنکه به ضرب زور، اسلحه، قوه قهریه و فریب لباس ولایت به تن کرده اند.

### متبرک باد "راه تو" آرش بهمنی

آیت الله العظمی حسین علی منتظری، دیروز صبح درگذشت. خبر جانگاہ بود و واقعه سخت نامنتظر و عجیب نیست اگر سنگ بنالد از این فراق و اعضا و رهبران جنبش سبز چون ابر در بهاران بگیرند. منتظری شاید برای بسیاری اولین نمونه یک "آخوند" دگراندیش در جمهوری اسلامی بود که با فدا کردن بزرگ ترین مقام رسمی در جمهوری اسلامی، دست از آرمان های خویش نشست. وی اخلاق مداری را سرلوحه فعالیت های خویش قرار داد و این گونه نامش بر جریده تاریخ ثبت شد و اگر در نظام سیاسی به مقام رهبری نرسید و در قائم مقامی رهبری ایران باقی ماند، اما رهبر دل های مردم ایران شد.

در این یادداشت اما قصدم بر آن نیست که مرثیه ای بنویسم در سوگ این مرد بزرگ، که بسیاری اساتید خواهند نوشت. در این جامی خواهم به "منتظری" به مثابه یک نهاد اشاره کنم که در مقابل نهاد استبداد - به عنوان دیرپاترین نهاد ایرانی - یک تنه ایستاد. البته کم نبودند افرادی که حتی جان خویش را نیز در این راه گذارند، اما تفاوت بارز آن ها با آیت الله منتظری، در این بود که وی با ایستادگی در مقابل استبداد، نه تنها حصر و محدودیت را به جان خرید، بلکه مقامی را از دست داد که چند ماهی بیشتر با رسیدن به آن فاصله نداشت.

در روزهای پس از کودتای 22 خرداد هم آیت الله منتظری، در کنار مردم ایستاد و با پیام ها و سخنان خویش باعث دل گرمی اعضای جنبش سبز شد. این همراهی با مردم، از آن نظر مهم است که وی در مقام یکی از مراجع تقلید بزرگ، سعی کرد که بار دیگر معنای واقعی یک "مرجع تقلید" را زنده کند. شخصی که رابطه ای دیالکتیکی با مردم دارد: با آن ها قدرت می گیرد و به آن ها قدرت می بخشد. اگر به آیت الله منتظری از این بعد نگاه بیفکنیم، باید گفت که آنچه باید از آیت الله منتظری آموخت، شهامت در بیان حقیقت و اخلاق مداری در سیاست استیبعی همان حلقه مفقوده سال های اخیر در عرصه

استفاده نمی کرد. آیت الله العظمی منتظری اسطوره پیوند اخلاق و سیاست و سیاست ورزی با پرنسیب بود او هیچگاه و تحت هیچ شرایطی حاضر نشد حقیقت را در پای مصلحت ها و منافع زود گذر مادی قربانی کند. او ارزش های انسانی را مقدم بر هر امری می دانست و برخورداری از حقوق شهروندی را حق همه آدمیان فارغ از تمایزات سیاسی، فرهنگی و اعتقادی می دانست. اهل تقسیم جامعه به خودی و غیر خودی نبود. چرا که دانش آموخته مکتب امام همامی بود که در نامه اش به مالک اشتر آدمیان را چنین تقسیم کرد: یا در آفرینش با تو برابرند و یا در دین با تو برادر و در هر دو صورت رعایت حقوق آنها را بر حاکم اسلامی واجب می دانست.

تفاوت اصلی فقیه عالی قدر با آیت الله خمینی در برتری ارزش ها و اصول انقلاب بر مصلحت های مقطعی نظام سیاسی بود. آیت الله منتظری حقوق بشر، وفای به عهد با مردم، رضایت عامه و آموزه های اصلی تشیع را حوزه های محدود کننده حکومت دینی می دانستند اما آیت الله خمینی مصلحت نظام و حفظ آن را بر همه چیز مقدم می دانست و قائل به مطلقه بودن اختیارات حاکم اسلامی بود که همین نگرش راه را بر تثبیت استبداد مذهبی هموار کرد و فجایی چون اعدام گسترده هزاران نفر از مخالفان سیاسی در سال 1367 را به بار آورد. گذشت زمان ثابت کرد که حق با آیت الله منتظری بود که شجاعانه در برابر این نگرش انحرافی ایستاد و اصل "حفظ نظام از اوجب واجبات است" را به عنوان سنگ بنای تمام ایرادات، تخلف ها و انحرافات رد کرد. از دیدگاه معظم له چگونگی رفتار و عملکرد نظام و تطبیق آن با آرمان های انقلاب بر نفس تداوم نظام به هر قیمتی ارجحیت داشت. البته هزینه اش را هم مردانه پرداخت تا امروز عزیز دل مردم و همه کسانی باشد که دل در گرو بسط ارزش های انسانی و فضیلت های اخلاقی دارند. آنانی که دین را برای رستگاری مردم می خواهند نه آنکه حقوق مردم و منافع ملی را در خدمت تفسیر خود از دین قربانی کنند و انسان ها را زندانی برداشت خود از دین سازند.

حضور پر رنگ آیت الله منتظری در تمامی صحنه های جنبش اصلاح طلبی و دموکراسی خواهی در دو دهه گذشته و حمایت بی دریغ و شجاعانه او از مطالبات ملت و ایستادگی در برابر استبداد دینی و بخصوص در اعتراضات اخیر مردم، وی را در جایگاه رفیع پدر معنوی و روحانی جنبش اصلاح طلبی قرار داده بود. حضور پر فیض ایشان تبلیغات دروغین حاکمیت را خنثی می کرد که خواسته های جنبش های اجتماعی و مردم در برخورداری از حقوق انسانی شان را به ضدیت با اسلام و دین ستیزی تعبیر می کرد.

افسوس زمانی چشم بر دنیا فرو بست که ببینش از هر مقطع دیگری به او نیاز بود. انگار تاریخ دوباره تکرار شد. زمانی که نیروهای سیاسی دموکرات ناباورانه عروج مرحوم آیت الله طالقانی را به نظاره نشستند و خلاء وجود توازن بخش آن آموزگار آزادی و مدارا را با تمامی وجود شان در روز های سخت هجوم شیفتگان قدرت انحصاری درک کردند. آری روح بلند او از میان ما پر کشید ولی راه او، زبان بی پروای او در حق گوئی و آرمان های بلندش باقی است و الهام بخش همه آنانی است که دین و معنویت را برای رهایی انسان ها از تمامی زندان های درون و بیرون می خواهند. مشی و خصلت آن



## به گیتی نماند بجز نام و ننگ مزدک بامدادان

یکی از برجسته ترین آموزه های شاهنامه پاسداری از نام نیک است. "نام" در شاهنامه چنان جایگاه فرازی دارد که بهرام گودرز پس از نبرد پیروز مندانه با تورانیان شباهنگام به میدان نبرد باز می گردد، تا تازیانه خویش را که نامش بر آن نوشته شده است، باز بیابد و باز آورد، چرا که افتادن "نام" خود بدست تورانیان را ننگی برتر از مرگ می شمارد.

چنین گفت با گسیو، بهرام گرد / که این ننگ را خُرد نتوان شمرد

شما را از رنگ و نگار است گفت / مرا آن که شد نام با ننگ جُفت  
بهرام که از پهلوانان برجسته شاهنامه است، تنها آنگاه به یک تندیس اخلاقی فرامی رود، که جان بر سر باز آوردن نام نیک خویش می نهد، تازیانه ای که نام بهرام بر آن نوشته شده است، نمادی است از نامی نیک که در دستان نیرویی پلید و اهریمنی جای می گیرد و دارنده خود را به پلیدی می آراید.

در زندگی هر انسانی کز رویها و دژکاری های فراوان هست و هر چه جایگاه فرد در یک جامعه فراتر رود، کزروی او نیز بزرگتر و دژکاری اش مرگ آفرینتر می شود. سرنوشت برای تک تک ما گاه گریزگاهی می کشاید تا بتوانیم گریبان خود را از چنگال کردهایی که نام ما را به ننگ آلوده اند و یا مایه رنج و شکنج دیگران شده اند، رهائی بخشیم. این گریزگاهها انگشت شمارند و کسانی که آنها را می بینند و در سر بزنگاههای تاریخی از آنان بهره می جویند انگشت شمارتر. آیت الله حبیبعلی منتظری یکی از این انگشت شماران بود.

آیت الله منتظری که می توانست دم فرو بندد و مرگ خمینی را چشم در راه بنشیند و بر تخت فرمانروایی او بنشیند، از همان آغاز کار با او از سر ستیز درآمد و سرانجام در پی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ از دربار ولایت فقیه رانده شد تا ده سال پس از آن در خانه خود زندانی شود و نتواند حتی برای رفتن به مسجد و خواندن نماز پای به کوچه گذارد.

منتظری همانگونه که خود بارها گفته است، بنیانگذار اندیشه "ولایت فقیه" بود و بی گمان یکی از کسانی که همه گفتمانهای وابسته با این اندیشه با همه پیامدهای ویرانگر آنها باید به پای او نوشته شوند. او نیز پایبند به جمهوری اسلامی بود و تنها راه رهائی و آسایش این- و آن جهانی مردم را در پیروی از اسلام، با همان برداشت سنتی اش می دید. ولی آنچه که او را در جایگاهی ویژه جای می داد، گرایش مردم گرایانه و انسان دوستانه او بود و بیزاری اش از دینفروشی. منتظری از بنیانگذاران جمهوری اسلامی بود، از بنیانگذاران نظامی که در سه دهه گذشته "نام" ایرانیان را در سرتاسر گیتی چنان به ننگ آلوده است، که تنها خون پاک ندا می توانست این ننگ را از چهره درخشان ایران بزداید. با این همه او در بیست سال گذشته و بویژه در شش ماه پس از انتخابات بی هراس از برافتادن درختی که خود کاشته بود به آزادیخواهان پیوست و در کنار مردم جای گرفت.

آیت الله منتظری یک فقیه سنتی به معنی راستین آن بود. شاید در زمینه اندیشگی همانندی دیدگاههای او با دیگر حوزه نشینان بسیار بیشتر و با نسل جوان به میدان آمده بسیار اندک بود. با این همه از یاد نبریم

که منتظری در جایگاه یک فقیه شیعه دوازده امامی حوزه ای، مرزهایی را شکست که در نور دیدن آنها حتی برای بسیاری از کسانی که خود را تواندیشان دینی می خوانند نیز چندان آسان نیست. هنگامی که یک آیت الله شیعه به پشتیبانی از حق شهروندی هم میهنان بهائی برمی خیزد، باید از جای برخاست و در برابر او سر به کرنش خم کرد. بی گمان برای همچو منی که نه شیعه ام و نه مسلمان و نه حتا دین باور، پابفشاری بر حقوق شهروندی بهائیان هنری نیست، ولی باید نخست جایگاه اندیشگی و دینی منتظری را دریافت و آنگاه در باره او به داوری نشست و دید که ساختار شکنیهای او زهره شیر می طلبند.

آیت الله منتظری بی گمان در آنچه که بر سر ما آمد بیگانه نبود، ولی نگاه انسانگرایانه و منش سرکش و ستم ستیز او و بهره جوئی دلآورانه اش از گریزگاههای سرنوشت، او را بجایگاهی رسانید که امروزه بخش بزرگی از ایرانیان، از دین باوران گرفته تا دین ستیزان و دین گریزان در اندوه فرمان یافتنش اشک می ریزند و به ماتم نشسته اند.

آیت الله منتظری از انگشت شمار کسانی بود که توانست به جایگاه سیاسی و دینی خود پشت پا زند و کز رویها و دژکاری های گذشته خود را برای همیشه بشوید و از خود نامی نیک بجای بگذارد، نامی که با جنبش سبز ایرانیان پیوند ناگسستنی خورده است. پس بر خیزیم و در پای مرد دلآوری که همه چیزش را بپای حقوق مردم یا آنچه که در باور او "حق الناس" نامیده می شود قربانی کرد و در دلهای ایرانیان آسوده آریم، کلاه از سر برگیریم و بادش را گرمی داریم؛ که کس در جهان جاودانه نماند / به گیتی بما جز فسانه نماند  
چو مرگ افکند سوی ما بر کمند / هم آن نام باید که ماند بلند  
خداوند دروغ، دشمن و خشکسالی را از ایران زمین بدور دارد

## آیت الله منتظری و اهل سنت ایران ... محمدآزاد جلالی زاده

در این دنیای فیزیکی و محدود ما هنوز هستند آدمهایی که در هیچ چهارچوبی نمی گنجند، تعریف بردار نیستند و آنقدر آن بالا بالا پریده اند که دست هیچکس جز خود خدا به آنها نمی رسد، در این دنیای فیزیکی و محدود ما هنوز هستند آدمهایی که با هیچ چیز نمی توان شکست شان داد و جسم و روحشان را خرید، نقطه شکستی ندارند، نه با زر، نه زور، نه تزویر و نه با هیچ عنصر مادی دیگری و نه حتی با هیچ سیستم سیاسی و قدرتی نمی توان اندکی از بزرگی روحشان کاست، در این دنیای فیزیکی و محدود ما هنوز هستند آدمهایی که اسمشان آزادی و آزادیخواهی، انسان گرایی، لطافت و عشق به نوع بشر را نداعی می کند و آدم می بالد از حضور و وجود چنین کسانی در سرزمینش، و حالا یکی از آنها از میان ما رخت بر بسته است و همه اندوهگین و سوگواریم و فغان بر می آوریم از نبودنش ... بهرحال، دل پر تالم است و کلمات پر درد، اما هدف از این نوشتار کوتاه نگاه به آیت الله منتظری از زاویه ای دیگر است.

در ایران بعد از انقلاب چه فراوان هزینه های مادی و معنوی صرف ایجاد وحدت بین اهل سنت به عنوان یک نیروی بزرگ و تاثیرگذار و شیعیان به عنوان

## راههای سبز



اکثریت و حاکمان حکومت دینی شده است تا علاوه بر ایجاد امنیت و جلوگیری از نزاع های مذهبی در داخل کشور، الگوی وحدت اسلامی در ایران به عنوان یک راه نجات بخش به دنیا و بویژه به کشورهای اسلامی نمایانده شود و ایران به اصطلاح ام القرای جهان اسلام شود، اما بعد از گذشت حدود سه دهه از عملیاتی کردن پروژه ی وحدت چنین به نظر می آید که این موضوع زیاد مثرتر نبوده و اعتراضات گسترده ی اهل سنت ایران به حقوق شهروندی و مذهبی شان حاکی از آن است که وحدت فقط به عنوان تزی برای پایان نامه های سیاسی و الهیاتی درآمده است و نه بیشتر و سوال اصلی اینجاست که چرا؟ و اگر این "چرا"؟ بدرستی پاسخ داده شود که ی کور یک سری از مسائلی در ایران گشوده خواهد شد.

چنین به نظر می آید که برای پیشرفت هر پروژه ای دو حالت متصور است: 1- یا سیستم و کلیتی محکم، قانونمند و اصولی ای وجود داشته باشد تا حتی اگر افرادی مایل به پیشرفت پروژه ای نباشند، بنا به تمحیل سیستم وارد فاز کاری شوند و 2- اگر سیستم اصولی ای وجود نداشته باشد و یا اگر سیستم به هر دلیلی مایل به پیش بردن پروژه ای مثبت نبود و یا اگر عده ای از افراد یا جریانات متنفذ نخواستند به پیش بروند، حداقل تعدادی افراد تربیت شده ی انسانی وجود داشته باشند که مقاومت و روشنگری این عده پروژه را به جلو ببرد و آن را تا سر منزل مقصود یاری دهد.

در ایران، در اوایل انقلاب و چند سالی پس از آن ساختار حاکمیت به جد خواهان وحدت و همزیستی مسالمت آمیز اهل سنت و حکومت گران گشت و قدم هایی در این زمینه برداشته شد، اما بعدها با بروز پاره ای مسائلی میان اهل سنت و حاکمیت، پایان گرفتن فضای اعتماد میان این دو و ورود شدید تصمیم گیریهای امنیتی در منطق سنی نشین "وحدت" به "جدایی عاطفی" منجر گردید، با وجود آنکه این جدایی عاطفی هنوز منجر به طلاق سیاسی و اجتماعی نگردیده است اما اگر وضعیت همچنان و بر طبق روال سابق پیش رود، امیدی چنان نمی ماند.

اما در روی دیگر قضیه افراد متنفذ و صاحب اعتبار که هر یک سرمایه ای اجتماعی عظیمی برای این مملکت بودند و می توانستند فضای ذهنی و عملی آرام و پایداری را بدون توسل به هر گونه نیروی قهریه بین اهل سنت و کلیت حاکمیت برقرار سازند نیز آرام آرام از صحنه کنار رفته و با کنار گذاشته شدن و فضای تصمیم گیری هر روز نسبت به روز پیشین خالی تر از دلسوزان و دردمندان شدیکی از این افرادی که می توانست پل اتصال باشد، اما وجودش در ساختار تحمل نشد و خودش نیز دانست یکسری از تصمیمات برای ادراه ی کشور با افکار، روحیات و دغدغه های او سازگار نیست مرحوم آیت الله منتظری بود، وی یکی از زعما و رهبران فکری و عملی اهل تشیع بود، اما اهل سنت همچون اکثریت دیگر ایرانیان دوستش داشته و دارند و حرمتش بسیار پاس میدارند و از خودشان می دانستند و می دانند، چرا که اگر چه او بود که در دهه ی پنجاه چند صباحی میهمان کردها و اهل سنت بود و سیستم فکر می کرد با تبعیدش به سقر، مردمان آن دیار او را طرد می کنند و فشاری روانی مضاعف بر او می آید اما به تصریح خود وی کردها و اهل سنت بخاطر آزادی ذاتیش او را همچون خود دانستند و مقدمش گرمی

داشتند، اما منتظری نیز به رسم پاسخ دهی آنگاه که ورق برگشت و سوار بر توسن قدرت بود و نایب رهبر، در دهه ی شصت شتابان بر در رهبر انقلاب رفت و از در بند کردن یکی از رهبران اهل سنت و کردها - احمد مفتی زاده - گلایه ها کرد و خواستار آزادی وی - دست کم برای حفظ حرمت اهل سنت در ایران، و حفظ پرستی انقلاب اسلامی نزد دیگران - شد، گلایه هایی که به نوشته خود منتظری با پاسخ تند رهبر مواجه شد، هر چند که تقاضای منتظری رد شد اما اهل سنت و کردهای ایران می دانستند که الاعمال بالنیات ...

اهل سنت منتظری را به انبیا خاطر مثبت و خوب حافظه ی جمعی اش خواهد سپرد، چرا که برای منتظری بالاتر از آنکه چه کسی خلیفه ی اول اسلام بود و چه کسی خلیفه ی چهارم، نفس عمل دموکراتیک انتخاب شورایی خلیفه مهم بود و مهم تر از حفظ حکومت شیعی، پاسداشت حقوق شهروندی برای وی اولویت داشت و مهم تر از اینکه مردم کتب شیعی را بخوانند وجود متکثر گونه ای اندیشه ها و آرا برای حفظ حیات جامعه برای وی در صدر بود و دین را آزادخواهانه تعبیر و تفسیر می نمود و هیچگاه از دین چماق تکفیر و ارتداد و سرکوب اندیشه ها بیرون نکشید. هیچگاه و تحت هیچ شرایطی کوچکترین بی حرمتی به اعتقادات اهل سنت روا نداشت و هرگز حاضر نشد به خاطر چند روز سروری دنیایی، عاقبت به خیری عقبایی اش را فدا سازد.

منتظری شخصی بود که می توانست با تکیه بر حرمتش بین گروهها و جریاها و بزرگی ذاتیش پل اتصال و وحدت و همیاری و همفکری بین اهل سنت و حاکمیت و به طور کل بین اهل سنت و شیعیان در ایران باشد، چرا که همگان حکمیتش را می پذیرفتند و دلسوزی و بزرگ منشی و آزادخواهیش را باور داشتند، اما تاسف و دریغ که بدخواهان این سرزمین نگذاشتند تا از این فرصت تاریخی بهره برداری شود و حال فقط تاسفی در ذهن و آهی بر زبان می ماند... سالها باید که چرخ گردون بگردد و منتظری دیگری هدیه به این سرزمین دهد.

## گذشته ای که نمی گذرد

### شادی صدر

اگر مرگ آیت الله منتظری، فرصتی باشد برای خواندن زندگی او و خاطرات او، فرصتی نیز هست برای بازخوانی تاریخ نقض سیستماتیک حقوق بشر در دهه ی اول جمهوری اسلامی و یادآوری این واقعیت که حقوق بشر، نه گزینشی است و نه استثنایی. نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی هم از ۲۲ خرداد ۸۸ آغاز نشده است

آیت الله منتظری در روزی در گذشت که حامد کرزای، رییس جمهور افغانستان کابینه پیشنهادی خود را به مجلس این کشور معرفی کرد. شاید در نگاه اول این دو رویداد سیاسی برای ما ایرانیان بی ربط و فاقد وزنی یکسان به نظر برسد اما هر دو این رویدادها، یک بار دیگر بحث ناقضان حقوق بشر و لزوم برقراری عدالت در مورد عاملان و آمران جنایت علیه بشریت را زنده می کند. در افغانستان، کسانی در میان کابینه یا بدنه دولت جدید وارد یا ابقا شده اند که به عنوان جنایتکاران جنگی یا به قول افغانها، "جنگسالاران" در مظان اتهامند (۱)؛ با این

همه، تعبیر نظام سیاسی، هنوز برای افغانستان، عدالت نیاورده است ولی فعالان جامعه مدنی افغانستان می دانند بدون برقراری عدالت در مورد میراث نقض حقوق بشر، گذار به سوی دموکراسی ممکن نیست و از این روست که حرکت "عدالت انتقالی" را مطرح کرده اند (۲). آیت الله منتظری با نامه ای که در مخالفت با کشتار گسترده زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ نوشت که در همان سال از رادیوی بی بی سی پخش شد و نیز، در جزییاتی که بعدها در خاطرات خود منتشر کرد، نه تنها واقعیت این نسل کشی سیاسی را به عنوان یکی از بلند پایه ترین مقامات جمهوری اسلامی، مسجل ساخت، بلکه نام آمران و تصمیم گیرندگان کمیسیونهای مرگ را فاش کرد. آیت الله منتظری تنها مسئول دولتی بود که در دهه ۶۰، دغدغه وضعیت زندانیان سیاسی را داشت. او در نامه ۱۷ مهر ۶۵ درباره وضعیت زندانیان سیاسی به آیت الله خمینی می نویسد: " آیا می دانید در زندانهای جمهوری اسلامی به نام اسلام جنایاتی شده که هرگز نظیر آن در رژیم منحوس شاه نشده است؟ آیا می دانید عده زیادی زیر شکنجه بازجوها مردند؟ آیا می دانید در زندان مشهد در اثر نبودن پزشک و نرسیدن به زندانیهای دختر جوان بعدا ناچار شدند حدود بیست و پنج نفر دختر را با اخراج تخمدان و یا رحم ناقص کنند... آیا می دانید در بعضی زندانهای جمهوری اسلامی دختران جوان را به زور تصرف کردند؟ آیا می دانید هنگام بازجویی دختران استعمال الفاظ رکبک ناموسی رایج است؟ آیا می دانید چه بسیاری زندانیانی که در اثر شکنجه های بی رویه کور یا کر یا مبتلا به دردهای مزمن شده اند و کسی به داد آنان نمی رسد؟... آیا می دانید در بعضی از زندانها حتی از نور روز هم برای زندانی دریغ دارند، نه یک روز و دو روز بلکه ماهها؟... " (۳)

اما مهمترین فراز زندگی آیت الله منتظری، به زعم من، جایی است که از مسئولیت حقوقی خود به عنوان قائم مقام رهبر، در مورد کشتار ۲۸۰۰ نفر از زندانیان مجاهد و ۵۰۰ نفر از زندانیان چپ (این اعداد از کتاب خاطرات آیت الله منتظری استخراج شده است) در مدت کمتر از دو ماه در تابستان ۶۷ سخن می گوید. به روایت خاطرات آیت الله منتظری، پنجشنبه روزی، فتوای آیت الله خمینی درباره اعدام زندانیان مجاهد، چه آنها که حبس خود را بر حسب حکمشان کشیده بودند و چه آنها که در اثنای کشیدن حبسشان بودند، اگر هنوز "بر سر موضع نفاق خود پافشاری" می کنند، صادر می شود. روز شنبه فتوا به دست آیت الله منتظری می رسد. پیغامهای آیت الله منتظری به آیت الله موسوی اردبیلی که در آن زمان رییس شورای عالی قضایی (قوه قضاییه کنونی) بوده است، و هم اکنون، یکی از مراجع تقلید منتقد دولت است، بی فایده می ماند و پس از قطع ملاقات همه زندانیان سیاسی، اعدامها آغاز می شود. آیت الله منتظری در خاطرات خود می گوید: "... من

همینطور ناراحت بودم... فکر می کردم که بالاخره به من می گویند قائم مقام رهبری، من در این انقلاب سهیم بوده ام، اگر یک نفر بی گناه در این جمهوری اسلامی کشته شود من هم مسئولم..." (۴) و بر مبنای همین مسئولیت است که نامه های ۹ مرداد و ۱۳ مرداد ۶۷ را درباره کشتار زندانیان سیاسی به آیت الله خمینی می نویسد و از او می خواهد دستور پایان "خوشونتها و کشتنها" را صادر کند (۵)؛ درخواستی که هیچگاه اجابت نشد اما در کنار دیگر دلایل، باعث شد که او مقام خود را، که در واقع رهبری آینده بود

برای همیشه از دست بدهد. مسئولیت حقوقی مقامات دولتی و حکومتی در پیگیری موارد نقض حقوق بشر و به خصوص جنایات علیه بشریت، بحثی است که همواره در کشورهایی که انتقال از دیکتاتوری به دموکراسی را تجربه کرده اند، مطرح بوده است. در این روند، مسئولان حقوقی خشونت و نقض حقوق بشر، یا باید از همان ابتدا که نسبت به موضوع، آگاهی می یافتند، همچون آیت الله منتظری با آن صریحا مخالفت می کردند و یا اگر در آن زمان همدستی یا حتی سکوت کرده اند، در زمان انتقال جامعه به سوی دموکراسی، باید از قربانیان و یا بازماندگان نقض حقوق بشر عذرخواهی کنند.

ازادی، دموکراسی و رعایت حقوق بشر، اصلی ترین خواسته های جنبش مردمی در ایران امروز هستند و بدون طی روند دادخواهی و بازخوانی تاریخ نقض حقوق بشر و بازشناسی نقش آمران و عاملان آن نمی توان مطمئن شد که در آینده، دوباره همه آن فجایع تکرار نخواهد شد. کافی نیست گفته شود حالا وقت این است که صف متحد ما حفظ شود (۶)، یا به بهانه تفکیک قوا، مسئولیت حقوقی خود را انکار کرد (۷) و یا با این جمله که "گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنچه هست گیرند" (۸)، سکوت یا مشارکت در نقض سیستماتیک حقوق بشر را لاپوشانی کرد و یا با انداختن بار همه گناهان به گردن "روحیه مستبد پسند" ایرانیان (۹)، صورت مساله را پاک کرد. در واقع، به نظر می رسد برخی از سرسخت ترین پیروان امروز آیت الله منتظری، به سنت سیاسی او در شکستن سکوت و مستند کردن نقض حقوق بشر و نقش آمران و عاملان آن، یکسره بی اعتنا هستند.

تجربه افغانستان، همینجا، جلو چشمان ماست. بیش از ۸ سال از سقوط طالبان می گذرد اما جنگسالاران که در دوران طالبان و نیز در دوران حکومت مجاهدین، عاملان قتل مردم و نیز نقض حقوق بشر بوده اند، امروز در کابینه کرزای و در بدنه دولت او صاحب مقام هستند. تاکنون هیچ برخوردی با جنایتکاران جنگی در افغانستان نشده و جنبشهای مدنی که برای عدالتخواهی شکل گرفته، با بی اعتنایی دولت و دادگستری افغانستان مواجه شده است. به این ترتیب، هیچ اطمینانی نیست افغانستانی که نتوانسته تاریخ خشونت و نقض حقوق بشر را با روند دادخواهی بازگشایی کند، در آینده، باز هم شاهد خشونت، جنگ، نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت نباشد. روبه رو شدن با گذشته، دردناک است، در ایران نیز مانند برخی از کشورهای دیگر، بسیاری از رهبران اپوزیسیون را درگیر می کند و خلاف مصلحت حفظ اتحاد نیروهایی که برای دموکراسی مبارزه می کنند دانسته می شود. اما اگر مرگ آیت الله منتظری، فرصتی باشد برای خواندن زندگی او و خاطرات او، فرصتی نیز هست برای بازخوانی تاریخ نقض سیستماتیک حقوق بشر در دهه اول جمهوری اسلامی و یادآوری این واقعیت که حقوق بشر، نه گزینشی است و نه استثنایی. نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی هم از ۲۲ خرداد ۸۸ آغاز نشده است. برای آن بخش از رهبران فعلی اپوزیسیون که در دهه ۶۰، بر سر کار بوده اند و لاجرم در نقض سیستماتیک حقوق زندانیان سیاسی، دگراندیشان، زنان، بهائیان و قومیتها، مسئولیت حقوقی دارند، و مثل آیت الله منتظری، در همان زمان با موضوع، برخورد و مخالفت نکرده اند، تنها راه باقی مانده، اعتراف به اشتباه و طلب بخشش از





## راههای سبز

جنبش اعتراضی اخیر حمایت و محبوبیت گسترده مردمی را تجربه کرد و با تمامی توان خود به حمایت از جنبش برخاست و به زمانی درگذشت که محبوبیت او بیش از هر دوره دیگری بود و لایه های مهمی از مردم، حتی بخش مهمی از هواداران سابق آقای خمینی، درستی مواضع او را دریافته اند.

آیت الله منتظری از منظر سیاستمداران میانمایه مصلحت و عمل گرا، که محاسبه قدرت بر مبنای عوامل روز را مهم ترین سنج و عنصر واقع گرایی سیاسی تلقی می کند، مصلحت گرا نبود اما چون آرمان گرایی پی گیر به تاریخ و به معیارها و ارزش های ماندگار نظر داشت.

فقدان آیت الله منتظری برای لایه های مذهبی جنبش اعتراضی کمبودی جدی است اما کردار او، و نه لزوما همه مواضع و نظریات او، برای برخی مراجع تقلید جوان تر متمایل به اصلاح طلبان مذهبی الگویی کارساز است تا جای خالی او را در جنبش اعتراضی و در فقه شیعه پر کنند هر چند دستیابی به گسترده نفوذ، اتوریته مذهبی، خصوصیات شخصی و فکری و کارنامه درخشان آیت الله منتظری به آسانی ممکن نیست.



### حق تکلیف او بود! عبدالکریم سروش

حق بلکه تکلیف او بود که چون یک فقیه مجتهد با پاره ای از اجتهادات آیت الله خمینی در آویزد و آن را نپذیرد. حق او بود که چون یک شهروند آزاد، رهبر حاکم را نقد کند و بر او خرده بگیرد. اما نظام استبداد دینی آن نقدها را نه تنها بر چشم و سر نهاد بل چون گناهان کبیره ای دید که فاعل اش سزاوار مجازات است

غیرت حق بود و با حق چاره نیست  
کو بلی کز حکم حق صد پاره نیست؟  
رحلت غم انگیز مرجع بزرگوار حضرت آیت الله منتظری، دلبرترین فقیه استبداد سنی دوران، کامها را تلخ و چشمها را گریان کرد. درود و رحمت رضوان حق بر او باد که خود آیت رحمت حق بود و در راه احقاق حقوق بندگان خدا دمی نپاسود.

به آن چه می گفت و می آموخت حقیقتاً باورداشت و از آن چه داشت و می توانست داشته باشد کریمانه و دلبرانه گذشت و حق عدل و احسان را به جا آورد و اینک با نیک نامی و ابرومندی به دیدار پروردگاری شتافته است که دوستدار محسنان است. ان الله یحب المحسنین.  
جام می و خون دل هر یک به کسی دادند  
در دایره قسمت اوضاع چنین باشد

نصیب او در دایره قسمت، خون دل بود و چون پیشوای پارسایان علی علیه السلام عمری را در اندوه و ناکامی به سر برد و از طنز و تهمت و دشنام و ناجوانمردی دشمنان نصیبی وافر یافت، با این همه هیچ گاه چون عیسا مسیح به درگاه خدا ننالید که "چرا راهم کرده ای"، بل چون سالار شهیدان حسین علیه السلام گفت رضی برضاک، تسلیما لامرک.

حق بلکه تکلیف او بود که چون یک فقیه مجتهد با پاره ای از اجتهادات آیت الله خمینی در آویزد و آنرا نپذیرد. حق او بود که چون یک شهروند آزاد، رهبر حاکم را نقد کند و بر او خرده بگیرد. اما نظام استبداد دینی آن نقدها را نه تنها

فقدان آیت الله منتظری، که حتا آقای خامنه ای و تندروترین اصول گرایان نیز به مشروعیت مقام دینی او به عنوان اصلح ترین و اعلم ترین مرجع تقلید ایران باور داشته و هیچ نهاد سرکوبی در جمهوری اسلامی نمی توانست بدون تحمل هزینه بالا از حمایت پی گیر او از اعتراضات مردمی جلوگیری کند، بر آینده بخش مذهبی جنبش اعتراضی تأثیری جدی خواهد داشت چرا که شجاعت فکری، صداقت نظری و عملی، آرمان گرایی پر شور، آمادگی ایثارگرانه نقد خود، هوشیاری و تیزبینی و نیز محبوبیت، مقبولیت و مرجعیت منتظری در تاریخ ایران اگر نه بی نظیر که نادر است.

آیت الله منتظری تا چند سال پیش در مقابل آقایان خمینی و خامنه ای و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه، یاران چندانی نداشت اما به دوران رونق جنبش اعتراضی، در آستانه ماه محرم و به روزگاری درگذشت که «ترس از استبداد» در روان شناسی جمعی و ذهنیت لایه های مهمی از جامعه شکسته و برخی روحانیون و جناح های مهمی از حکومت اسلامی نجات این نظام را جز با اصلاح رادیکال آن ممکن نمی دانند.

آیت الله منتظری از مهم ترین طراحان نظریه ولایت فقیه بود اما تیزبینی، هوشیاری و صداقت او از سویی و تجربه تلخ تاریخ از دیگر سو او را به یکی از اصلی ترین منتقدان این نظریه بدل کرد. آرمان خواهی صادقانه و شجاعت فکری که اولی در پرهیز از مصلحت اندیشی های برآمده از محاسبه قدرت و دومی در نقد خود عالی ترین جلوه خود را می یابند، نزد منتظری چندان پر رنگ بود که او دومین مقام جمهوری اسلامی را رها کرد و دستکم از سال ۶۷ به بعد دمی از انتقاد صریح، بی پرده و رادیکال و از رشد فکری و نظری باز ناپستاد.

آیت الله منتظری در زندان شاه از شجاع ترین، مقاوم ترین و سرسخت ترین مبارزان بود، تنها روحانی بلند مرتبه ایرانی بود که صریح، آشکار و بی پرده از خمینی، قدیمی ترین دوست و همراه خود، به دوران حیات و اقتدار او انتقاد کرد، منتظری از تنها ماندن و پرداخت هزینه نقد، حتا از کیسه اعتبار و محبوبیت خود، هراس نداشت و به دورانی از آیت الله خمینی و نظریه ولایت مطلقه فقیه، استبداد دینی، سرکوب خنثونت آمیز منتقدان و... انتقاد کرد که همه جناح های حکومتی، حتا چهره هایی که اکنون به رهبران جنبش اعتراضی بدل شده اند، با سرکوب و استبداد همراه و از آیت الله خمینی تبعیت می کردند.

آیت الله منتظری تا چند سال پیش در مقابل آقایان خمینی و خامنه ای و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه، یاران چندانی نداشت اما به دوران رونق جنبش اعتراضی، در آستانه ماه محرم و به روزگاری درگذشت که «ترس از استبداد» در روان شناسی جمعی و ذهنیت لایه های مهمی از جامعه شکسته و برخی روحانیون و جناح های مهمی از حکومت اسلامی نجات این نظام را جز با اصلاح رادیکال آن ممکن نمی دانند.

آیت الله منتظری به دورانی که جنبش اعتراضی در اثر ضربه و شکست سال ۶۰ یکی از سیاه ترین دوران های رکود خود را تجربه می کرد، پرچم مقاومت و ایستادگی برافراشت، در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷، در میان حکومتیان تنها بود، در انتقاد از رهبری آقای خامنه ای و ولایت مطلقه فقیه نیز از حمایت چندانی در میان لایه های مذهبی برخوردار نبود، اما با ظهور

قربانیان است؛ قربانیانی که به قول "پل ریگور" که از تجربه برخورد جامعه آلمان با گردانندگان اردوگاههای آدم سوزی دوران فاشیسم سخن می گوید، حق دارند ببخشند یا نبخشند (۱۰). اما تقاضای عفو از قربانیان، تازه آغاز روند بازگشت ناپذیر ساخت "تاریخ خودمان" بر مبنای حافظه جمعی است که تضمین خواهد کرد در ایران آینده، نقض سیستماتیک حقوق بشر اتفاق نخواهد افتاد. تنها از این طریق است که چرخه خشونت یک بار برای همیشه قطع و بسته خواهد شد.

### غیبت آیت الله منتظری و جنبش اعتراضی فرج سرکوهی

نخستین واکنش خودانگیخته، خودجوش و درون زای بسیاری از مردم نسبت به درگذشت آیت الله منتظری در روز یکشنبه، آمادگی برای شرکت در مراسم خاکسپاری او در روز دوشنبه است و گزارش های خبری تا عصر یکشنبه از حرکت انبوه مردم به سوی شهر قم حکایت می کنند.

مردم معترض روز دوشنبه یکی از با نفوذترین، محبوب ترین و شجاع ترین چهره های دینی و سیاسی تاریخ معاصر ایران را تا آرامگاه او بدرقه خواهند کرد و با شعارها، و حتا با حضور خود در مراسم خاکسپاری، مخالفت خود را با آقای خامنه ای که دستور حصر خانگی و تعرض به منتظری را صادر و بیش از پنج سال او را در خانه از زندانی کرد، نشان خواهند داد.

دستکم از سال ۶۷ به بعد، که آیت الله منتظری روی در روی آیت الله خمینی ایستاد و در انتقاد از سرکوب منتقدان و مخالفان و در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی از قدرت کناره گرفت، و به ویژه از همان روزهایی که آقای خامنه ای را به صراحت فاقد شرایط اجتهاد و صدور فتوا و رهبری دانست و در خانه خود زندانی شد، نمودار افزایش یابنده محبوبیت آیت الله منتظری در میان مردم به معنای نمودار کاهش یابنده مقبولیت مردمی آقایان خمینی و خامنه ای نیز بود.

روز خاکسپاری و مراسم هفتمین و چهلمین روز درگذشت آیت الله منتظری به مردمی که راه بیان اعتراض آن ها را از همه سو بسته اند و به جنبش اعتراضی که به رغم سرکوب ادامه یافته است، فرصت های مغتیمی هدیه می کند اما فقدان او در آینده بر همین مردم و بر بخش مذهبی جنبش اعتراضی تأثیری کاهنده خواهد داشت چرا که با مرگ آیت الله منتظری جنبش اعتراضی یکی از بانفوذترین، محبوب ترین و شجاع ترین چهره های مردمی خود را از دست می دهد هر چند درگذشت بزرگ ترین مرجع تقلید از نسل اول رهبران انقلاب اسلامی، راه ارتقاء را بر برخی مراجع تقلید اصلاح طلب جوان تر و رادیکال تر باز می کند.

برخورد مردم و نیروهای ضد شورش در روز دوشنبه در مسیر و جهت گیری جنبش اعتراضی در آینده نزدیک، و به ویژه در رخدادهای آئین های ماه محرم امسال، تأثیر بسیار خواهد داشت. مراسم هفتمین روز درگذشت منتظری نیز با روزهای سوگواری دهه محرم همزمان است و بخشی از جنبش اعتراضی از ماه ها پیش خود را برای حضور گسترده در آئین های محرم امسال آماده کرده است.



## راههای سبز

وجدان و ایمان به حق بود. او، در برابر مردی ایستاد که هیچکس را شهامت ایستادن در برابر یکدنگی های او نبود. او، بازداشت خانگی، خطر مرگ، توهین و افترا، آزار و اذیت فرزندان و حتی نوه های خود را به جان خرید، اما حاضر به سهم بردن از قدرتی نشد که خون جوانان بیگناه ایران آن را تغذیه می کرد. این که از انقلاب مشروطیت تنها نام دو روحانی به نیکی در تاریخ مانده است و این که از انقلاب اسلامی نیز، تنها نام دو روحانی به پاکی در تاریخ ثبت خواهد شد، دلیل روشن فساد است که کاست روحانیت ایران را از آغاز تا به امروز در بر گرفته است: خیل شیاطینی که به ندرت فرشتگانی نیز در میان آن یافت می شود.

آیت الله حسینعلی منتظری، یکی از این فرشتگان بود. او، پاک پاک پاک مرد. اینگونه نیز می توان مرد. مزار او، حتی اگر ستمکاران سیاه روی حاکم بر ایران، آن را از دیده نسل امروز پنهان کنند، روزی تنها زیارتگاه واقعی خواهد بود که از سی سال حاکمیت جهل و جنون جمهوری اسلامی به یادگار می ماند.

### پدر "حقوق بشر" ایران شیرین عبادی

تو را پدر می خوانم، زیرا حمایت از زندانیان سیاسی را از تو فراگرفتم که به خاطر آنان از کلیه مناصب دولتی و حتی رهبری حکومت جمهوری اسلامی ایران چشم پوشیدی - تو را پدر می خوانم زیرا از تو آموختم چگونه از مظلوم دفاع کنم بدون آن که علیه ظالم دست به خشونت زنم - از تو یاد گرفتم که سکوت مظلوم یاری رساندن به ظالم است و نباید که ساکت بنشینیم - پدر فراوان از تو آموختم، هر چند که رسم شاگردی و فرزندی را بهجا نیاوردم

پدر مرا ببخش که قدرت را ندانستم.

پدر مرا ببخش که در سالهای سختی که علیه رژیم ستم شاهی مبارزه می کردی ترا یاری نکردم زیرا ابلهانه می پنداشتم، حکومتی که مجهزترین ارتش خاور میانه را دارد با فریاد چند روحانی ساقط خواهد شد - حتماً به یاد می آوری که حتی تا چند ماه مانده به پیروزی انقلاب، تعداد روحانیونی که مخالف شاه بودند، تا چه حد اندک بود- شاید هم از ترس چنین می اندیشیدم و می خواستم بی تفاوتی خود را توجیه کنم.

پدر مرا ببخش، زمانی که پس از تحمل سالها زندان و شکنجه، آزاد شدی برای تبریک به دست بوست نیادم زیرا که جاهل بودم. نمی دانستم در زندان تو تنها پناهگاه زندانیان بودی. نمی دانستم چه نقش مهمی در نزدیک ساختن گروه های مسلمان مبارز و چپ انقلابی داشتی.

پدر مرا ببخش، زمانی که همراه آیت الله خمینی به تهران آمدی و مهمترین مشاور سیاسی رهبر انقلاب بودی، درایت و نیز هوشی ترا نادیده گرفتم و معنای سخنان را نمی فهمیدم.

پدر مرا ببخش، هنگامی که در آذر ماه ۱۳۶۴ طبق تصمیم مجلس خبرگان رهبری، به عنوان جانشین امام خمینی و رهبر آینده ایران انتخاب شدی، برای تبریک نزدت نیادم زیرا می پنداشتم که دین را به دنیا فروخته ای. بیشتر دوست داشتم ترا مجاهد و مبارز ببینم تا حاکم.

پدر مرا ببخش، در سالهای ۶۶ و ۶۷ که به کشتار زندانیان سیاسی اعتراض کردی و انتقادات خود را به

### می توان اینگونه مرد جواد طالعی

حاکمیت اسلامی رو به زوال است. در و دیوار، دست کم در شهرهای بزرگ ایران، این را فریاد می کشند.

تاریخ، پس از زوال جمهوری اسلامی، درباره کسانی که آن را ایجاد کردند و کسانی که بر آن حکومت راندند، به روشنی قضاوت خواهد کرد. صد سال پس از انقلاب مشروطیت، از میان خیل روحانیانی که در موافقت و مخالفت با آن وارد صحنه شدند، تنها دو نام به نیکی و یک نام به بدی در حافظه جمعی ایرانیان مانده است. تاریخ، به همان اندازه که شیخ فضل الله نوری قدرت طلب و واپسگرا را لعن می کند، آیات عظام، سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی را می ستاید، که به مخالفت با استبداد برخاستند و از عدالتخوانه و حقوق مردم دفاع کردند.

از سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی، برای لعن تاریخ نام های بی شماری باقی خواهند ماند. از بنیانگذار این حاکمیت گرفته تا ملای میان قدری که پس از مرگ او بر جایگاهش تکیه زد، تا نسمة از کرده مردمان بکشد و خزانه کشور را به سیاهکارترین و سیری ناپذیرترین باندهای ثروت و قدرت بسپارد و اکثریت مردم ایران را به زیر خط فقر هدایت کند یا در عزای عزیزان نشان بنشانند.

اما از سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی، یک نام هست که شاید برای همیشه به نیکی در حافظه جمعی مردم ایران بماند و یک نام دیگر هست، که بدون تردید چنین جایگاه شایسته ای را خواهد یافت. اولی آیت الله سید محمود طالقانی است و دومی آیت الله حسینعلی منتظری.

امروز، چهره هائی مثل آیت الله صناعی، آیت الله رفسنجانی و گروهی دیگر از روحانیون نیز به جبهه مخالفان حاکمیت زر و زور پیوسته اند. این گروه، اما توضیح درباره گذشته خود را به وجدان عمومی بدهکارند و تنها در این صورت، و اگر تا پایان خط در کنار مردم بمانند، شاید بخشوده شوند.

اما آیت الله منتظری، تنها چهره شاخص سی سال حاکمیت اسلامی است که بی گمان ستوده خواهد شد. او، نخستین روحانی برجسته ایران بود که در جایگاه جانشینی بنیانگذار جمهوری اسلامی، هنگامی که دید وی از مسیر راستی و دادگری منحرف شده است، با شهامت در برابر او ایستاد، ردای مخملین اما آلوده به تزویر مقام نبیوی را با پشمینه پاک گوشه نشینی عوض کرد و هنوز دهه نخست حیات جمهوری اسلامی سپری نشده بود که به یکی از منتقدان جدی و ثابت قدم تباهی تبدیل شد. شاید هیچ گروهی از مردم ایران، به اندازه زندانیان سیاسی دهه شصت آیت الله منتظری را نستوده باشند. اگر مقاربت او در برابر خونخواهی جلدانی که از امام فرمان می بردند نبود، از زندانیان سیاسی پیشین، اکنون هیچکس زنده نمانده بود تا خاطرات خود را بنویسند و نشان بدهند که فرستادگان آیت الله منتظری چگونه هزاران زندانی را از کام مرگی حتمی رها کردند.

آیت الله منتظری می توانست چند صباحی دیده بر جنایت ببندد، در مقام نایب امام باقی بماند و پس از مرگ او آن کند که خود می خواست. اما در این مرد روحانی، آنچه عمل می کرد، نه "مصلحت روز" که

بر چشم و سر نهاد بل چون گناهان کبیره ای دید که فاعلش سزاوار مجازات است و دلیل های عوامانه عنوان کرد که دل امام را خون کرده ای و در "امتحان خطیر" مقبول نیفتاده ای لا جرم مستحق عقوبتی.

پیام بی دردانه و خود پسندانه مقام رهبری نمکی تازه بر این زخم ظالمانه پر عفونت ریخت و "ابتلائات" آن فقیه راحل را لازمه کفران و غفران گناهانش شمرد: بیایات و ابتلائاتی که به اشاره رهبری و به دستان اعوان و انصار او پدید آمد و آن عزیز را بی محکمه و بی محاکمه به مدت پنج سال چون گنجشکی مظلوم در محاصره کرکسان ظالم نگاه داشت و مطبوعات ولایت مدار هم وی را در سیل و طوفان تهمت ها و اهانت های سنگین غرقه کردند.

جرم بزرگ آن فقیه نرزه جز این نبود که رهبری حاضر را شایسته منصب افتا نمی شمرد و ردای مرجعیت را بر قامت او برز نده نمی دید و آنچه را همه در پس می گفتند او در پیش می گفت.

اسفا و دروغا که دیگر مراجع و مشایخ با او چنان که باید همراهی نکردند و با کوتاهی نا بخشودنی شان حوزه و مرجعیت را به زبونی و ذلتی نشاندهند که رضا خان پهلوی هم آن را در خواب نمی دید و مصداق سخن پیامبر خدا شدند که "من اعان ظالما سلطه الله علیه": هر کس ستمگری را یاری کند خود اسیر آن ستمگر خواهد شد. اینک آن نازنین که اعتبار و افتخار حوزه علمیه بود رخت به سرای باقی کشیده است و مگر باز ماندگان طریقت پر شرافت او را دنبال کنند و با استبداد دینی بستیزند تا آب رفته را به جوی باز گردانند و نام نیکی در این جهان و پاداش کریمانه ای در آن جهان برای خود فراهم آورند.

نو چیز حاصل عمر است نام نیک و ثواب  
واز این دو در گزینی کل من علیها فان  
ریتنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقوا نابا لایمان و لا تجعل  
فی قلوبنا غلا للذین امنوا. ریتنا انک رنوف رحیم.

### مرجع آزاده! آزادیات مبارک فاطمه شمس

حالا دیگر هر چقدر تلاش کنند در کوچه های منتهی به خانهات پرند هم پر نزنند، هر چقدر تلاش کنند آن حسینیه کوچک، مثل همه این سالها آرام بماند، هر چندتا باجه سیاه و نیروی امنیتی سر کوچه های منتهی به حسینیه کوچک بگذارند، هر چقدر تلاش کنند مردم نامت را بلند در خیابان های شهری که تو را سالها از زندگی اجتماعی در آن محروم ساخته بودند فریاد نزنند، فایده ای نخواهد شد. حالا دیگر همه شهر یکپارچه نام تو را فریاد می زند. حصرت شکسته شده است آیت الله وارسته!

عمری نام تو را از کوچه های شهر برچینند. امشب اما نام تو آزادترین نام برای تلفظ کبوترهاست. همه با مرگ می میرند. اما نام تو تازه در رفتند در کوچه های شهر زنده شده است. شهری که سالها تو را در آن حصر کرده بودند. آن ها می خواستند تو را در حصر و سکوت، روانه قبر کنند. آن ها سالها آرزوی مرگ بی سروصدا تو را داشتند. اما مانده ام در کار خدا که چه روزهایی را برای رفتنت برگزید.

هم نام مولایت حسین بودی، هم سفر روزهای شهادتت هم شدی. سالیان عمرت نیز در تاسی به شیوه و راه حسین بن علی (ع) گذشت. اصلاح گری و حق طلبی. و خداوند هم تو را اینچنین خواست و فرا خواند. تو را چنان نزد خود خواند که هفتمین روز رفتنت با غوغای عاشورا هم زمان شود. تویی که زنده بودنت باری بود بر دوش حق کشان و متجاوزان و مرگت هراسی در دل آنان. حالا از پیکر بی جان تو هم می ترسند. و چنین است شیوه زیستن مردان خدا که پیوسته موجدی در دل ناآرام جانوران زمان می شنند. متبرک باد نام تو که اینچنین وارسته و آزاد سر بر شانه های خدا گذاشتی و رفتی.

آزادیات مبارک مرجع آزاده!



## راههای سبز

از محضر او آموخته‌ام که هر سیستم عقیدتی، فرهنگی یا حقوقی را می‌توان و باید چنان تغییر کرد که تصمیم و عمل تو به حق هر چه قرین تر گردد و از ظلم تا هر حد ممکن دور تر شود. من از آیت الله منتظری آموخته‌ام که کسانی که از نظام‌های موجود نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به حد اعلا به سود خیر بهره‌گزی کنند، هم کمتر راهگشای تحول آن نظام‌ها در سمت مثبت هستند؛ و هم اطمینانی نیست که آنها، پس از تغییر، نظام تازه را در خدمت عمل خیر به کار گیرند. من از آیت الله منتظری آموخته‌ام که حتی در بسته‌ترین سیستم‌ها هنوز هم برای همه کس جایی بس فراخ برای پای بند ماندن به انسانیت و دفاع از حق و برای تغییر باقی است.

امروز از نقطه نقطه ایران سیل سوکوران به سوی قم روان است. میلیون‌ها ایرانی که امروز بر سر خاک آیت الله منتظری بر سیره و میراث او تامل می‌کنند بی هیچ چشم داشت و پاداش، از صمیم قلب دعا و آرزوی خیر بدرقه راهش می‌کنند. آنها بی گمان پیش خود اجر و قرب او را با آن شخص به قدرت نشسته قیاس می‌کنند. کدام لذت بالاتر از لذت ولایت بر قلب‌هاست؟ و کدام لذت پست‌تر از دریدن قلب‌ها، و یا چشم‌پوشی بر آن، است؟

### مثل آب می‌رود در رودخانه آرام

ابراهیم نبوی

#### اول، مجاهد نستوه

آیت الله منتظری درگذشت. خبر مرگ او در حالی اعلام شد که آیت الله منتظری بیست سالی مغضوب نظام حاکم بود و حذف او از قدرت، نه به سادگی و سهولت، بلکه با هزینه‌ای گران تمام شد، در این معامله حکومت جمهوری اسلامی بهترین انسان ممکن را از دست داد و منتظری از زیر بار قدرت حکومتی آزاد شد. آیت الله منتظری که در زمان وقوع انقلاب 56 ساله بود، تقریباً تمام زندگی‌اش را در مجادله با استبداد گذرانده بود، او از دوران جوانی به زندان افتاده بود و تقریباً همیشه به عنوان یکی از شاگردان نوگرای آیت الله خمینی شناخته می‌شد. وقتی انقلاب شد، انقلاب ایران با سه روحانی شناخته می‌شد، آیت الله خمینی، منتظری و طالقانی. آیت الله طالقانی که به لحاظ نظری و فکری به آیت الله نائینی نزدیک بود، در شهریور سال 1358 درگذشت، آیت الله خمینی نیز از همان ابتدای انقلاب آیت الله منتظری را به عنوان نزدیکترین روحانی مورد اعتماد خود به مردم معرفی کرد.

#### دوم، قائم مقام رهبری

پیش از آن که منتظری از حکومت حذف شود، آیت الله خمینی بارها و بارها او را فرزند خود خطاب کرده بود، گفته بود "من در منتظری خلاصه شده‌ام، نه یک بار، چندین بار" و منتظری بموجب قانون و با تصویب مجلس قائم مقام رهبر انقلاب بود. پیش از آن یک فرزند آیت الله، محمد منتظری، در جریان عملیات تروریستی مجاهدین خلق کشته شده بود. سالهایی بود که خشونت از در و دیوار می‌بارید. خشم تنها قاضی میان دولت و رقبای مخالفین سیاسی بود. در این میان آیت الله منتظری حامی دولت و جناح چپ دولت بود و جناح راست که توسط آیت الله خامنه‌ای رهبری می‌شد، حامی راست‌های دولت و توسط جناح چپ مورد اتهام بود، جناح راست

چهره‌ی ما نیافتد. گویا برایشان منع شرعی داشت. در برابر رهبر مطلق انقلاب اسلامی که ایستاد، تا وجدان خود را از آلوده شدن به کشتار وحشیانه‌ی چند هزار زندانی سیاسی و عقیده‌ای حفظ کند، گفتم این کار بزرگ از این طبیعت مهرورز برمی‌آمد.

شارلاتان‌های سیاسی در هیات حاکمه، او را «ساده لوح» نامیدند. عطش سیری ناپذیری را که به قدرت داشتند در وجود او نمی‌دیدند و این را ساده لوحی می‌دانستند. (شاید این برخورد، ویژگی مهمی سیاست‌بازان کارگشته است، بیرون از حاکمیت نیز، خود من، چنین برخوردی را تجربه کرده‌ام: در سال ۶۰ هنگامی که به اعدام چند دختر بچه، که متهم بودند مجاهدند، اعتراض کردم، یک عنصر تشکیلاتی کارگشته‌ی چپ گفت: فلانی احساساتی است.)

دلیل تکیه‌ی من بر طبیعت مهربان آقای منتظری این است که همین مهرورزی به دیگران، یعنی غیرخودی‌ها، است که خاستگاه آزادی‌خواهی است. و نبود آن مشکل نظریه پردازان و اصلاح طلبان مذهبی کنونی است؛ همان‌هایی که در دفع او نیز مشارکت داشتند. اکنون باید آنان از او بیاموزند چرا که بدون مهربانی به غیر خودی معلوم نیست کار جنبش به کجا خواهد کشید.

### آموزگاری پاک و مجرد

فرخ نگهدار

آیت الله منتظری شخصیتی نامکرر است. به این دلیل که شهوت قدرت گرش او را کر، چشم او را کور، و قلب او را سنگ نکرد. به این دلیل که پای بندی‌اش به حق و حقیقت، و دفاع‌اش از مظلوم، بی‌خدشه بود و هرگز آن را در پای اریکه قدرت قربانی نکرد؛ به این دلیل که هرگز سیاست و قدرت سیاسی را به دسیسه و دروغ نیالود. او ایستادن در کنار مظلومان را عبادتی والاتر از نشستن بر کرسی ولایت یافت. و این همه قدرت، شجاعت، استقامت، بی‌نیازی و بی‌ریایی برآستی در تمام تاریخ سیاست بی‌تکرار است. بسیاری می‌گفتند عشق‌ها از این خاک گریخته،

انسانیت و صفا از دل‌ها رخت بر بسته، منفعت طلبی و خودخواهی و حق‌کشی و ستم همه جا گیر شده است. اما این دروغ بود. آیت الله منتظری، در آن زمهریر سال‌های دهه ۶۰ - به بهای دست شستن از قدرت - سکوت را شکست و نور نوع دوستی، مهر ورزی و ایمان به حق را از نو در دل ستم‌دیدگان زنده کرد؟ آیا اگر ایستادگی منتظری نبود باز هم امیدی بود که نسل ما برای رهایی از ستم و استبداد از نو برخیزند و به کسی اعتماد کنند؟ همه جا دل‌ها مهربان شوند و نور امید در نگاه‌ها بلغزد؟ این ایستادگی او بود که غم‌زدگان و ستم‌دیدگان را زنده کرد و روزی آمد که از آدهای سیره آیت الله منتظری را سرمشق کند و هر رنگی از این رنگین کمان سبز، از شیعه و سنی تا کبر و ترسا و کافر، همه او را پیشوای معنوی خود شناسند.

زندگی آموخته‌ام که سیستم‌های عقیدتی، فرهنگی و یا حقوقی برای آنند که در هر کشاکش به ما کمک کنند که تصمیم به عمل خیر و دفاع از حق را، از تصمیم به عمل شر و ارتکاب ستم را از هم تشخیص دهیم. و من، فرخ نگهدار، از شاگردان مشتاق آیت الله منتظری و شیفته روش او در این تشخیص هستم. من

عملکرد غلط حکومت علنا بیان کردی، هر چند سخنانت را شنیدیم، اما واکنشی در خور نشان ندادم. پدر مرا ببخش، سالها در حبس خانگی بودی ولی به علت سکوت مرگباری که ایران را فرا گرفته بود و خفقانی که گلوی ما را می‌فشرد، مظلومیت ات را فریاد ندم و ستمگران را رسوا نکردم.

پدر حلالم کن، که هر گاه از پاسخ در می‌ماندم، از خرمن دانش تو توشه بر می‌گرفتم، حتی در آخرین روز عمر پر عزتت نیز از تو استقتا کردم.

ترا پدر می‌خوانم، زیرا حمایت از زندانیان سیاسی را از تو فرا گرفتم که بخاطر آنان از کلیه مناصب دولتی و حتی رهبری حکومت جمهوری اسلامی ایران چشم پوشیدی - ترا پدر می‌خوانم زیرا از تو آموختم چگونه از مظلوم دفاع کنم بدون آن که علیه ظالم دست به خشونت زرم - از تو یاد گرفتم که

سکوت مظلوم یاری رساندن به ظالم است و نباید که ساکت بنشینیم - پدر فراوان از تو آموختم، هر چند که رسم شاگردی و فرزندی را به جا نیاوردم.

تو پدر "حقوق بشر" در ایران هستی و میلیون‌ها چون من فرزند و مرید داری. نیازی هم به قدر دانی و سیاست ما نداری. اما همه ما در حق تو کوتاهی کردیم و مقصریم.

پدر ما را ببخش که تو بزرگواری. پدر کوتاهی فرزندان را تاریخ جبران خواهد کرد. تاریخ در مورد ستمی که بر تو رفت و از آده‌گی تو کتاب‌ها خواهد نوشت. تو در یادها زنده هستی تا عدالت و انسانیت زنده است.

یکی از میلیون‌ها مرید و شاگردت

### تابوی دیگری را هم شکست و رفت

ناصر کاخساز

طبیعت مهرورزش را هر آدم منصفی که اندکی در کنار او زیسته بود، می‌شناخت. طبیعتی که در چشم‌های ریز و صورت کوچک‌اش می‌درخشید. این طبیعت مهربان بود که او را صاف و پاک می‌کرد. برخی ویژگی‌های دالائی‌لما را داشت. موقعیت ممتازش فاکتوری نبود که بر مناسبات انسانی‌اش سایه بیافکند. لبخندش هم به دالائی‌لما می‌مانست. شوخ طبع بود و به دل می‌نشست.

دربند ۱ اوین، جفت آقای طالقانی بود و همچون او، سنت رایج برخی روحانیان را می‌شکست و قدم پیش می‌گذاشت تا هم سخن شویم. من را که به بند ۱ بردند، آقای طالقانی برای روبوسی پیش آمد، با آقای منتظری، که او را از پیش نمی‌شناختم، دست دادیم، بقیه‌ی روحانیان مرتکب چنین گناهی نشدند.

در اوج قدرت سیاسی مذهب، آشنای مشترکی که او را دیده بود، سلام دوستانه‌ی او را همراه آورد. او که روحانی شماره دوی این قدرت سیاسی بود، از نشان دادن آشنائی با یک بی‌مذهب، هراسی به دل راه نداده بود. چنین برخوردی را از آقای طالقانی هم در اوج قدرت تجربه کردم. مورد سومی را از به قدرت رسیدگان به یاد ندارم.

طبیعت مهرورز داشتن، ربطی به دین و ایدئولوژی و این حرف‌ها ندارد. بند ۱ اوین تابلویی بود با کنتراستی زنده.

در ضلع کوچکتر «ال» راهرو، چهره‌های طالقانی و منتظری را، پس زمینه‌ی تیره تابلو شفاف می‌کرد. در این پس زمینه، دیگران، که بردن نامشان ضرورتی ندارد، سعی می‌کردند نگاهشان هم به





## راههای سبز

اصلاحات، با خود چند چیز تازه آورده بود، اول از همه جنبشی فکری که به همگان اجازه می داد از همه چیز سوال کنند، و دوم اینترنت که تازه وارد شده بود و بدون آنکه همه متوجه شوند بسرعت داشت گسترش پیدا می کرد. در سال 1376 سایت گویا به عنوان اولین وب سایت معتبر سیاسی کار خود را آرام آرام آغاز کرد، سال 1377 روزنامه های اصلاح طلب آمدند، سال 1378 خاطرات آیت الله منتظری نوشته شد. او تمام اتفاقاتی را که افتاده بود، جلوی چشم همگان گذاشته بود. اسناد و مدارکی غیرقابل انکار که گفتگوی دو مرد بالای حکومت، آیت الله خمینی و آیت الله منتظری را نشان می داد. برای نخستین بار موضوع قتل های تابستان 67 بعد از دوازده سال با جدیت مطرح شد، نامه ها در دسترس همگان قرار گرفت و انگار تمام آن روزنامه هایی که وزارت حقیقت حذف کرده بود، دوباره در دسترس همگان قرار گرفت. تلاش های خاتمی و هاشمی و برخی دیگر از مسوولان وقت چنان کرد که محاصره رهبری که به محاصره حکومتش درآمده بود، شکسته شود و او دوباره بتواند با شاگردانش ارتباط برقرار کند. شاگردانی که حالا دیگر خودشان راه زندان را یاد گرفته بودند. عمادالدین باقی، اکبر گنجی، محسن کنیور، هادی و احمد قابل و بسیاری دیگر از شاگردان آیت الله ساکنان دائمی زندان شده بودند. اگر چه برخی اسرار آشکار شده بود. حالا دیگر لاجوردی که یک سوی پنهان دعوی منتظری بود، در خیابان کشته شده بود، عبدالله نوری که روزی شاگرد آیت الله بود و بعد مخالف او شده بود و دوباره بخاطرش زندان رفته بود، نیز در زندان بسر می برد.

### هفتم: جنبش اصلاحات و ولایت فقیه

اگرچه جنبش اصلاحات نه در موقعیت انکار حکومت جمهوری اسلامی بود و نه حتی اگر در چنین موقعیتی بود، می توانست توفیقی پیدا کند، اما موضوع ولایت فقیه به بحثی همگانی تبدیل شده بود. از آن مهم تر موضوع رابطه دین و دولت بود که بشدت نقد می شد. مهم ترین تئوریسین اسلام انقلابی یعنی مهندس بازرگان، مرده بود و پیش از مرگ خود را نقد کرده بود و گفته بود که دخالت دین در دولت را اصولاً انکار می کند. بسیاری از مسلمانان انقلابی پیرو آیت الله خمینی در عمل نگاه انقلابی و اسلام گرا و معتقد به ورود دین به دولت را کنار گذاشته بودند. بسیاری از آنها که زمانی برای آیت الله خمینی و انقلاب اسلامی جان می دادند، با هر نوع دخالت دین در دولت مخالف بودند و همه این تحولات در وضعی رخ داده بود که سید محمد خاتمی و دوستانش بحث جامعه مدنی را مطرح می کردند، جامعه ای که در آن حقوق مدنی افراد موضوع اصلی زندگی انسانی باشد. این، البته، موضوعی نبود که نه بتوان گفت و نه بتوان نهان کرد. حکومت عملاً بیان اعتقادات سکولار را جرم تلقی می کرد و از آن بدتر که اگر کسی سابقه دینی داشت، این نه تنها جرم بود، بلکه الحاد تلقی می شد. در چنین وضعی نگاهی تازه به ولایت فقیه و حکومت دینی به موضوع زندگی سیاسی کشور تبدیل شد. بسیاری از روحانیون، و بخصوص نسل جوان روحانیت، مانند محسن کنیور و دوستانش عملاً منکر ولایت فقیه بودند و حتی آنها هم که صریحاً انکار ولایت فقیه را نمی کردند، جز این نمی گفتند. اصلاً ولایت فقیه در آن شرایط معنی نداشت. در این میان آیت الله منتظری در حقیقت محور مشترک همه کسانی شد که علیه تعریف رسمی از ولایت فقیه

اسماعیل بر سر آیت الله منتظری به دعوا برخاستم. در میان جمعیت جزوه "رنجامه سید احمد خمینی برای آیت الله منتظری" که شرح مبسوطی از اتهامات به منتظری بود، پخش می شد. اسماعیل بی پروا و بی دلیل منتظری را شیخ ساده لوح می خواند و من از این بی پروایی او و کسانی که پیراهن عثمان مرگ آیت الله را در دست گرفته بودند و علیه منتظری شعار می دادند، خشمگین بودم. احساسی از بی عدالتی را در حذف منتظری می کردم و می دانستم تمام این رفتار یک کودتای سیاسی است. چند سال بعد اسماعیل، از قدرت حذف شد، پشیمان شده بود از آنچه کرده است. و بعد از کنار گذاشتن همه چیز به سوی خاتمی آمده بود. بسیاری از دوستانی که در آن سالهای سرد و سیاه گم کرده بودیم در سالهای اصلاحات پیدا شدند. همه می دانستند که انگار در تمام این سالها ساعتها رو به عقب می رفت. من به ادبیات پناه برده بودم، بسیاری در سیاست قربانی شده بودند و برخی دیگر تمام باورهایشان را از دست داده بودند. آیت الله منتظری بطور کلی از ذهن و زبان مردم حذف شده بود.

### پنجم: توافق جمعی خلق خشمگین

گوئی توافقی ملی در میان همه مردم نسبت به آیت الله منتظری وجود داشت. جز گروهی کوچک در روزنامه سلام، دیگران حتی نامش را هم نمی بردند. وزارت اطلاعات خانه و کوچه منتظری را از روی نقشه ارتباطات سیاسی حذف کرده بود. دوستان آیت الله برخی شان دشمن رسمی و علنی او شده بودند تا زنده بمانند. آنان که آیت الله منتظری از مرگ و زندان نجات شان داده بود، نامی از او نمی بردند. شاگردان منتظری نیز نامی از او نمی بردند، انگار که مرده است. او را در خانه اش دفن کرده بودند. در مجادله "مذهب علیه مذهب" نیز برخی از ما ها که شاید می دانستیم حق با منتظری است، واهمه داشتیم که نکند به سوی او برویم و دوباره سروکله انقلاب و دین و دولت دینی پیدا بشود و این بار با قدرتی بیشتر. انگار همه بر سر مردی که حق می گفت توافق کرده بودند، توافقی ردیانه برای دفن حقیقتی که هیچکس درباره آن صحبت نمی کرد. منتظری زندانی نبود، تبعید هم نشده بود، بازداشت هم نشده بود، او در خانه خودش نشسته بود و در خانه اش را بسته بودند و هیچ کس حق نداشت به او نزدیک شود، انگار که خانه جدامیان. وزارت حقیقت، فقط در 1984 ارول نبود که همه روزنامه ها و خاطرات گذشته را اصلاح می کرد، در ایران یک وزارت حقیقت، کارش پاک سازی کامل منتظری از دیوارها، حافظه، کتابها و همه جای کشور بود. انگار هیچ کس یادش نمی آمد مردی که پشت دیوارهای خانه محصور زندانی شده، زمانی مرد دوم حکومت بوده است. مردی که به نام "امید امت و امام" خوانده می شد و ناگاه با بخشنامه وزیر اطلاعات تبدیل به "شیخ ساده لوح" شده بود.

### ششم: جاده ابریشم از کوچه منتظری گذشت

زودتر از همه آنها بودند که فهمیدند اینترنت موضوعی مهم در زندگی سیاسی کشور خواهد بود. وقتی که آیت الله منتظری در خانه ای محصور و بسته تمام شریان های حیاتی اش را با مردم از دست داد. حقیقت این بود که بسیاری از کسان دوست نداشتند که با موضوع منتظری مواجه شوند، نه به این خاطر که او حقیقت را نمی گفت، بلکه به این دلیل که توجه به او ما را دچار عذاب وجدان می کرد. عصر

با قدرت مولفه که در حقیقت بازار و قوه قضائیه و دادگاه انقلاب را در اختیار داشت، سعی می کرد دولت موسوی را بی اعتبار کند. در همین رفت و آمدها و مجادله میان چپ و راست بود که آیت الله با وزرای حامی خامنه ای گفته بود که عرضه اداره یک ناتوایی را هم ندارند. آیت الله خمینی به حمایت خود از منتظری و دولت موسوی ادامه داده بود، و این بود تا چند ماه پیش از مرگ آیت الله.

### سوم: سه تصمیم خطرناک آیت الله

آیت الله خمینی، سه تصمیم بزرگ زندگی سیاسی اش را گرفت، بسیاری از نزدیکان آیت الله خمینی معتقدند که وی در سال آخر توسط دفترش اداره می شد، دفتری که در سه تصمیم آخر آیت الله خمینی نقش تعیین کننده داشت. از سال 1367 منتظری از قدرت حذف شد، قطعنامه 598 توسط خمینی پذیرفته شد و فتوای قتل سلمان رشدی صادر شد. این سه تصمیم با آنچه آیت الله در پنج سال قبل از آن کرده بود، منافات داشت. منتظری حتی تا فروردین 68 هم مورد احترام شخص خمینی بود، اگرچه رفتارش بشدت منتقدانه بود. دو کتاب سلمان رشدی قبل از سال 67 در ایران چاپ شده بود و مهدی سبحانی مترجم بچه های نیمه شب از دست خاتمی جایزه بهترین ترجمه سال را گرفته بود و آیت الله خمینی در مورد جنگ تا سال 67 شیوه ای دیگر در تصمیم گیری داشت. انگار هر سه تصمیم چنان گرفته شده بود، گویی می دانند آیت الله بزودی خواهد مرد. در همان دوران بود که برادر داماد و شاگرد آیت الله یعنی سید مهدی هاشمی، از فرماندهان سپاه پاسداران توسط حکومت اعدام شده بود، و او مدتها بود که در مورد شکنجه زندانیان سیاسی با دادستانی انقلاب، و دفتر آیت الله خمینی وارد مجادله شده بود. دعوا بر سر شکنجه زندانیان موضوعی تازه نبود، مولفه که توسط اسدالله لاجوردی اداره کامل دادستانی انقلاب را بر عهده داشت، دل خونی از آیت الله داشت. چرا که خانه آیت الله منتظری تنها پناه کسانی بود که در زندان ها شکنجه می شدند، مورد بدرفتاری قرار می گرفتند، یا اعدام می شدند.

### چهارم: دعوا در عزای آیت الله خمینی

من خبر مرگ آیت الله خمینی را از همان شب قبل شنیدم. سه چهار سالی بود که دیگر علاقه ای به سیاست نداشتم و برابم خاطره ای تلخ از انقلاب مانده بود. درگیر ادبیات و سینما شده بودم، فقط من نبودم که چنین حالی داشتم، محسن مخملباف و سید حسن حسینی و فریدون عموزاده خلیلی و جمعی بزرگ از بچه مسلمان های پیشین از حوزه هنری بیرون آمده بودند و در آثارشان دیگر اثری از انقلاب که نبود، هیچ، بلکه منتقد جدی وضع موجود بودند، اما همه ما هنوز به میرحسین موسوی اعتقاد داشتیم، هنوز فکر می کردیم او با دیگران فرق می کند، خاتمی هم در وزارت ارشاد کورسویی از امید بود. نمی دانم چه شد که وقتی آیت الله خمینی مرد، من که سالها بود با او قهر کرده بودم، یکباره دچار دلهره ای عجیب شدم. انگار که نمی توانستم ایرانی بودن او را باور کنم. صبح که ملت به خیابان ریختند، من هم به خیابان رفتم، پیاده از میدان ولی عصر تا بهشت زهرا. وسط راه با اسماعیل برخورد کردم، و در میان آن جمعیت عزادار که مثل رودخانه ای بی بازگشت و خروشان می رفت با



## راههای سبز

فرد و گروهی که حقوقش نقض می‌شود، به آیت الله منتظری پناه می‌برد و با دفتر ایشان تماس می‌گرفت.

هنوز بحث سکوت در مقابل جنایت بحثی است که چنددهه پس از سکوت مردم آلمان و اروپا در مقابل جنایت‌های هیتلر جریان دارد. هنوز مردم آلمان به دنبال این هستند که کسانی را در تاریخ خویش بیابند که در مقابل هیتلر سکوت نکردند و صدای اعتراض خود را بلند کردند. و در کشور ما خوشبختانه فردی چون آیت الله منتظری هست که سکوت نکرد. آیت الله منتظری سبمل وجدان بیدار در جامعه‌ی ماست. نام او در تاریخ کشور ما و تاریخ جامعه‌ی بشری زنده خواهد ماند.

ادای احترام به آیت الله منتظری در حقیقت ادای احترام به صدای وجدان، صدای اعتراض به جنایت، و صدای مخالفت با اعدام در جامعه‌ی ماست. یادش گرامی و نامش پایدار.

### گفت و گو

#### آیت الله فاضل میبیدی:

#### منتظری، مرجعی با تفکر فرا حوزوی بود

یکی از مقام‌های مسئول دفتر آیت الله منتظری به رادیو فردا گفت وی که پیشتر هم به عارضه قلبی مبتلا بود، بامداد روز یکشنبه و به دلیل ایست قلبی در گذشته است. به گفته این فرد مسئول بسیاری از مراجع تقلید و علمای دینی صبح روز یکشنبه برای تسلیت درگذشت آیت الله منتظری در بیت وی حضور یافتند. گزارش‌های از ایران حاکی است که بسیاری از هواداران مذهبی و غیر مذهبی آیت الله منتظری نیز خود را برای برگزاری مراسمی برای او آماده می‌کنند.

آیت الله محمدتقی فاضل میبیدی عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم درباره این مرجع شیعه به رادیو فردا می‌گوید: آیت الله منتظری از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله بروجردی بود و در حوزه علمیه قم و حوزه‌های فقهی شیعه، تمام فقها و مراجع شیعه ایشان را یا در حد اعلمیت و یا عالم جدی به فقه شیعه قبول داشتند. آیت الله منتظری در این سال‌ها شاگردان خوبی تربیت کردند و در کنار مبارزات زمان شاه و مسئولیت‌های بعد از انقلاب، هیچگاه مسیر فقهی را ترک نکردند و همواره دغدغه دانش حوزه به ویژه در فقه و اصول را داشتند. ایشان روش‌های خاصی در فقه داشتند که کمتر کسی در تاریخ تشیع آن را دنبال کرده بود.

ایشان مرجعی با تفکر فرا حوزوی بود و به ویژه مسایل حقوق بشر برایشان بسیار اهمیت داشت و اطلاعاتی که درباره این مسئله در دنیای امروز وجود داشت همواره دنبال می‌کرد. آیت الله منتظری رساله‌ای هم درباره حقوق بشر تدوین کرد و برای تمام شهروندان حقوق شهروندی قابل بود. من در میان مراجع شیعه ندیدم کسی مانند ایشان هم به طور نظری و هم عملی تا این حد در مورد حقوق شهروندی اطلاع کامل داشته باشد. ایشان چه در مصاحبه و چه در دروس حوزوی خود بر حقوق بشر تأکید داشتند.

دخترم احساس پدرش و مرا درک کرد. دانست که اگر آیت الله منتظری نبود، شاید او وجود نمی‌داشت! منتظری برای من و بسیاری دیگر مانند من فقط یک چهره‌ی سیاسی محبوب نیست، بلکه شخصیتی دوست‌داشتنی است که جان عزیزان ما را با پرداختن بهای بسیار گزافی نجات داده است. منتظری را شاید بتوان ملی‌ترین شخصیت تاریخ معاصر دانست، چرا که همراه با این ملت در عزای عزیزانشان گریست، و در حمایت از آنها از هیچ‌گونه تلاشی برای نجات جان عزیزان در بند آنها فروگذاری نکرد، و در این راه تا بدانجا پیش رفت که همه‌ی موقعیت و مقام سیاسی و سرمایه‌ی آینده خود را به داو گذاشت. همه‌گونه توهین را تحمل کرد، ولی روی وجدان خویش پا نگذاشت.

یادم می‌آید که هنگامی که پشت در دادسرای انقلاب اسلامی دور هم جمع شده بودیم و زری خاتم خبر داد که حکم اعدام همه‌ی شوهران ما که با هم در یک بند بودند به قم رفته، همه‌ی ما خوشحال بودیم که حکم اعدام به قم رفته، یعنی به دفتر آیت الله منتظری، و به دیوانعالی کشور در تهران نرفته است. همیشه وقتی که حکم اعدام به قم می‌رفت، این امید وجود داشت که تایید نشود. و خوشبختانه حکم اعدام همسران ما تایید نشد و همه‌ی آنها به بیست سال زندان محکوم شدند. همه‌ی ما خوشحال بودیم. من یک کیک بزرگ خریدم و حکم بیست سال زندان را جشن گرفتم.

بعدها دانستم که باز پس از چند سال زندان، در اوج کشتارهای زندانیان سیاسی در سال 1367، این تلاش‌های آیت الله منتظری بود که جان بسیاری را از اعدام نجات داد.

من و بسیاری مانند من، همسر، پسر و دخترم، بخشی یا تمامی زندگی خود را مدیون وجدان انسانی و شهادت آیت الله منتظری هستیم. آیت الله منتظری به خاطر جان انسان‌هایی که حتی پاسداران رده‌ی پایین هم آن روزها آنها را آدم حساب نمی‌کردند و با شدیدترین توهین و شکنجه با آنها برخورد می‌کردند، ایستاد. و انسان بودن را با رهبر بودن معاوضه نکرد، و تا به آخر زندگی انسانی باقی ماند که باعث افتخار همه‌ی ما شد و الگوی زندگی بسیاری خواهد بود.

در دنیایی که بسیاری از انسانها برای یک درجه پیشرفت خویش، بخاطر یک مقدار سود مادی، یا برای یک پله ارتقای شغلی به سادگی چشم به روی برخی از حقیقت‌ها می‌بندند و به بند و بست راضی می‌شوند و دروغ را می‌پذیرند، منتظری راضی نشد به خاطر کسب بالاترین مقام ممکن در کشور دروغ بگوید و به احساس درونی خویش وفادار ماند. آیت الله منتظری شاهد بود که یک گروه اپوزیسیون جان فرزندش را گرفت، و گروه حاکم بر قدرت جان برخی دیگر از نزدیکان ایشان را. اما بر هیچ‌کدام خشم نگرفت و هرگز از قصاص و خونخواهی و خشونت نگفت. ایشان همه را به مدارا خواند و خود الگوی مدارا بود.

دفاع از حقوق بشر در کشور ما گفتمان نوینی است و مخالفت با اعدام کم‌کم در میان قشر روشنفکر جا باز می‌کند. این افتخار جامعه‌ی روحانیت مسلمان است که فردی برجسته در میان این قشر بشدت با اعدام‌های بی‌رویه و شکنجه مخالفت کرد، با رهبر قاطع و خشنی چون آیت الله خمینی در افتاد، و بدون اغراق به سبمل دفاع از حقوق بشر در ایران تبدیل شد. هر

موضوع می‌گرفتند. آیت الله در آخرین تفاسیر خود تقلید را در هیچ امر اجتماعی و سیاسی جایز نمی‌دانست.

#### هشتم، جنبش سبز و مرجع سبز

جنبش سبز دوران بازشناسی آیت الله منتظری بود. او رسماً دولت موجود را نامشروع دانست و صریحاً علیه دولت و رهبر و تمام حکومت موضع گرفت. شاید این می‌توانست آغازی باشد بر حضور دوباره آیت الله منتظری در میدان رهبری جنبشی که بتواند مردم را از انقلابی که سی سال از عمر آن گذشته بود نجات دهد. تقریباً همه باور داشتند که آیت الله منتظری تنها مرجع تقلید و عالیترین روحانی است که مشروع بودن حکومت را انکار می‌کند و بر این باور است که "حکومت سرانجام در مقابل جنبش سبز تسلیم می‌شود" اما گوئی همان بازی قدیمی تکرار شده بود. آیت الله همه حرف‌هایش را می‌زد، دقیقاً همان حرف‌هایی را می‌زد که مردم می‌خواستند، اما گوئی مردم باورش نمی‌شد که برای کنار گذاشتن حکومتی که آیت الله‌ها را بر سر کار آورد، آیت الله منتظری بهترین رهبری است. شاید مساله اصلی این باشد که دوران رهبران بزرگ بسر رسیده است و ابهت و اقتدار مردان بزرگ در شیوه‌های ارتباطی جدید قابل تعریف نیست. انگار اینترننت با کاریزما بیگانه است. مردان بزرگ در دهکده جهانی آنچنان قابل لمس می‌شوند که نه دیگر تقدس شان باقی می‌ماند و نه دیگر ابهت شان.

#### نهم، مرگی شبیه ماندن، مرگی شبیه رفتن

آیت الله منتظری دیروز درگذشت، گفته شد که او در خواب در گذشته است. مرگی آرام، به نشانه آرامش وجود آدمی که جز قدرتمندان مستبد هیچ دشمنی نداشت. او دوبار در انقلاب ایران تأثیر گذاشت، بار اول با حیاتش، و بار دوم با مرگ خود.

#### منتظری و دختر من

#### سهیلا وحدتی

آیت الله منتظری یک شخصیت ملی است که شایسته است نامش بس برجسته‌تر از نام آیت الله خمینی در تاریخ ایران و حافظه‌ی نسل‌های آینده باقی بماند. خمینی اگر با قاطعیت خویش در راه انقلاب و برای تثبیت انقلاب از هیچ‌گونه خشونت‌ی فروگذار نکرد، منتظری در پیشگیری از خشونت‌های بی‌رویه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد.

دیشب در یک مهمانی بودیم که خبر درگذشت آیت الله منتظری را همسر، رضا، از طریق تلفن همراهش دریافت کرد. حالت چهره اش دگرگون شد، و داشتیم در این باره با هم صحبت می‌کردیم که دخترم به طرف ما آمد. پرسید جریان چیست، چرا بابا ناراحت شده؟

برایش توضیح دادم که آیت الله منتظری درگذشت. پرسید آیت الله منتظری کی بود، چه مقامی در کشور داشت؟

توضیح دادم: کسی بود که قرار بود رهبر ایران شود، ولی چون جان بابا را نجات داد و نگذاشت اعدام شود، در خانه‌ی خودش زندانی شد.



## راههای سبز

**آیت الله منتظری در طول ۳۰ سال پس از انقلاب دیدگاه‌هایی را به خصوص در مسایل سیاسی داشتند که از سوی جناح‌هایی در حاکمیت مورد پسند قرار نگرفت. موارد مهم این دیدگاه‌ها را در چه می‌بینید؟**

ایشان هم پیش از انقلاب و هم بعد از آن بسیار به آزادی اندیشه اعتقاد داشت و به هر فکر و اندیشه‌ای احترام می‌گذاشت و بر این باور بود که در جامعه هر کسی حق دارد تفکرات و اندیشه‌های خود را داشته باشد. ایشان همچنین به آزادی احزاب توجه می‌کرد و دغدغه آزادی مطبوعات را داشت. طبیعی بود کسانی که این مبنا را قبول نداشتند، این ویژگی ایشان را تحمل نکنند. در هر حال آیت‌الله منتظری مرجعی بود که به شدت به حریت فکر و آزادی اندیشه اعتقاد داشت.

## گزارش

**دستگیری‌ها در راه رفتن به قم**

## عزاداری سبزها در حضور اطلاعاتی‌ها فرشته قاضی

پیکر آیت الله منتظری امروز در حالی در قم تشییع می‌شود که از دیروز مردم ایران از شهرهای مختلف به سوی شهر قم حرکت کرده اند تا در این مراسم حضور یابند. میرحسین موسوی، مهدی کروبی و برخی مراجع تقلید نیز امروز را عزای عمومی اعلام کرده و از مومنان عزادار خواسته اند در این مراسم شرکت کنند.

این در حالیست که دولت جمهوری اسلامی تاکنون تمام تلاش خود را به کار بسته تا از حضور مردم و فعالان سیاسی و مطبوعاتی در مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری جلوگیری کند و تا بدانجا پیش رفته که از انتشار مطالب مربوط به آیت الله منتظری در روزنامه‌ها و ورود مردم و فعالان سیاسی به شهر قم جلوگیری کرده است.

آیت الله منتظری، شنبه شب در منزل خود در قم در گذشت. مجتبی لطفی، مسول روابط عمومی دفتر این مرجع تقلید شیعه، در گفتگو با "روز" اظهار داشت: "آیت الله از قبل، سرماخوردگی مختصر داشتند که برطرف شده بود و این مدت مشکل خاصی نداشتند." وی با بیان اینکه "آیت الله منتظری در خواب دچار ایست قلبی شدند"، افزود: "تشییع جنازه روز دوشنبه ساعت 9 از مقابل بیت ایشان است و قرار است در جوار فرزندان دفن شوند".

به گفته آقای لطفی، آیت الله منتظری قبلا بارها گفته بودند که دوست دارم در جوار قبر محمد دفن شوم. مسول روابط عمومی دفتر این مرجع تقلید شیعه خبر از حضور مراجع تقلید و خیل عظیمی از اقشار مختلف مردم در بیت آیت الله منتظری و همچنین مقابل بیت ایشان داد و گفت: "از مسئولین کسی نیامد فقط از اداره تامین استان آمده بودند که برای برگزاری مراسم هماهنگی‌هایی بکنند".

آقای لطفی که از زندان به مرخصی آمده و به شدت متأثر است درباره آخرین دیدار خود با آیت الله منتظری گفت: "آخرین بار وقتی مرخصی آمدم خدمت ایشان رسیدم. گفتند ناراحت نباشید این روزها می‌گذرد ولی تجربه‌اش برایتان می‌ماند. من هر بار

به مرخصی می‌آمدم خدمت ایشان می‌رسیدم. نمی‌توانم باور کنم که ایشان نیستند. همه ایشان را قبول داشتند؛ با هر عقیده و دینی. ایشان از حقوق حقه ملت دفاع می‌کردند؛ ما مرد بزرگی را از دست دادیم و در آینده می‌فهمیم چه کسی از میان ما رفت". وی، آیت الله منتظری را "انسانی به تمام معنا" توصیف کرد که رفتارش به تمام معنا اسلامی بود. آقای لطفی گفت: "بعضی‌ها به ایشان می‌گفتند آقا؛ رفتار پسر شما شبیه آقازاده‌ها نیست؛ ایشان می‌گفتند: خود ما هم آقا نیستیم. آقای منتظری 30 سال پیش حرف‌هایی زده که امروز درستی آنها به اثبات رسیده است؛ از نظر سیاسی، اجتماعی... ایشان پدر معنوی ملت ایران بود؛ دنبال جاه و مقام نبود. ایشان محبوب القلوب بودند؛ حامی مردم بودند؛ نگران مردم بودند. ایشان واقعا آرام از دنیا رفتند؛ چقدر راحت رفتند".

احمد منتظری، فرزند آیت الله منتظری نیز در گفتگو با روز از حضور روحانیون بلند پایه قم در منزل این مرجع تقلید شیعه از ساعات اولیه روز گذشته خبر داد و گفت پیکر پدرش امروز پس از ادای نماز توسط آیت الله شبیری زنجانی در صحن حرم حضرت معصومه به خاک سپرده خواهد شد. به گفته وی، از صبح روز گذشته تعداد زیادی از مراجع بلند پایه در بیت آیت الله منتظری حضور یافته‌اند. میرحسین موسوی، مهدی کروبی، عبدالله نوری و به اتفاق بسیاری از مراجع تقلید همچون آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله شبیری زنجانی، آیت‌الله بیات زنجانی، آیت‌الله صانعی، آیت‌الله امینی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله محقق داماد و نیز دوستداران آیت‌الله منتظری از اصفهان، نجف‌آباد و تهران دیروز و دیشب در بیت آیت الله منتظری حضور یافتند.

تعدادی از مراجع تقلید از جمله آیت الله صانعی و آیت الله بیات زنجانی نیز امروز را عزای عمومی اعلام کرده‌اند. میرحسین موسوی و مهدی کروبی هم با انتشار بیانییه مشترکی امروز را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم خواسته‌اند در مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری شرکت کنند.

دفتر رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز اعلام کرده است که نوری شاهرودی و علمی حسینی به نمایندگی از سوی هاشمی رفسنجانی در مراسم تشییع و تدفین آیت الله منتظری شرکت خواهند کرد.

### علت مرگ؛ عارضه قلبی یا مغزی

دکتر باهر، پزشک معالج آیت الله منتظری کهولت سن و عارضه قلبی یا مغزی را دلیل فوت ایشان اعلام کرده است.

دکتر باهر در گفت و گو با رسا گفت: "ایشان طی ده روز گذشته دچار ضعف مفرط و بی‌حالی بودند و از قبل نیز دچار بیماری قلبی شده بودند و سابقه بزرگی پروستات نیز داشتند".

پزشک آیت الله منتظری، ضمن اشاره به بیماری‌های گذشته ایشان، "کهولت سن و بیماری‌هایی را که ایشان سابقا داشتند" دلیل فوت ایشان دانست. او گفت: "چون ایشان سابقه تنگی عروق قلب داشتند، به اضافه بزرگی پروستات و حساسیت ریه و برخی حالت‌های عصبی مانند پریدن پلک چشم که در مجموع چهار پنج بیماری با هم داشتند".

وی برخی مطالب منتشره در مورد بیماری سرطانی آیت الله منتظری را نادرست دانست و افزود: "آنچه

مهم است این است که ایشان 87 سال سن داشتند و بیماری‌های مزمنی نیز از قبل داشتند بنابراین علت مرگ ایشان می‌تواند عارضه قلبی و یا مغزی باشد."

### مردم سبز عزادارند

پیکر آیت الله منتظری امروز در حالی تشییع می‌شود که صدها هزار نفر از مردم، شب گذشته را در مقابل بیت ایشان و خیابان‌های اطراف به صبح رساندند. به گزارش خبرنگاران "روز" چند تن از بازاریان تهران و قم، هزینه اطعام مردمانی را که از شهرهای دیگر به قم آمده‌اند، برعهده گرفته‌اند.

در شهرهای اصفهان و نجف‌آباد، زادگاه آیت الله منتظری، مردم با حضور در خیابان‌ها و سردادن شعار به عزاداری پرداختند. خطوط ارتباط تلفنی، موبایل و خدمات پیام کوتاه در این دو شهر از دیروز مختل شده است. بازار نجف‌آباد تعطیل شده و مردم در سراسر شهر پارچه‌های سیاه رنگ همراه با تصاویر آیت الله منتظری نصب کرده‌اند. همچنین سوگواران

در حین سوگواری شعار میدادند: "یا حجت ابن الحسن، ریشه ظلم رابکن"، "منتظری منتظری، آزادیت مبارک"، "منتظری نستوه، راحت ادامه دارد، حتی اگر دیکتاتور، بر ما گوله بارد"، "یا حسین، میر حسین"، "عزا عزاست امروز، مردم سبز ایران صاحب عزاست امروز"، "منتظری زنده است، مرجع پاینده است" و "منتظری نستوه، راحت ادامه دارد". این شعارها را مردم نه تنها در نجف‌آباد و اصفهان بلکه در تهران نیز سر دادند. براساس گزارش خبرنگاران "روز" هزاران نفر از مردم تهران هم شب گذشته در میدان محسنی، تجمع کردند و با در دست داشتن شمع به برگزاری شام غریبان آیت الله منتظری نشستند.

این در حالی بود که فضای شهر بخصوص خیابان‌های منتهی به میدان محسنی به شدت امنیتی گزارش شده است.

### ممانعت از حضور مردم در مراسم

گزارش خبرنگاران "روز" از تهران حاکیست از ظهر دیروز بزرگراه تهران - قم به علت هجوم مردم تقریباً مسدود شد. صدها هزار دستگاه اتومبیل در این جاده از ظهر دیروز گرفتار ترافیک شدند، اما پلیس علی‌رغم این فشارها از هرگونه اطلاع‌رسانی در این رابطه خودداری کرد؛ و در حالی که آمار ترافیک جاده‌های کشور ساعت به ساعت از طریق رادیو و تلویزیون اعلام می‌شود اما در هیچ بخش خبری به ترافیک شدید این بزرگراه اشاره نشده است. جاده اصفهان به قم نیز با هجوم دوستداران آیت الله منتظری مواجه و تقریباً عبور و مرور در آن سخت شده بود. سایت رویداد نیز گزارش داد که مردم از شهرهای تهران، اصفهان، نجف‌آباد، مشهد، تبریز، یزد، اهواز، کرمان و... روانه شهر قم شدند.

### تهدید و بازداشت

هجوم مردم به سمت قم در حالی صورت می‌گیرد که وزارت اطلاعات روز گذشته در تماس تلفنی با برخی فعالین سیاسی و مطبوعاتی آنان را از حضور در مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری منع کرده است. یکی از روزنامه‌نگاران به "روز" خبر داد که در تماس تلفنی به او گفته‌اند در صورت عزیمت به قم، قطعاً بازداشت خواهد شد. این روزنامه‌نگار افزود: شخصی که از وزارت اطلاعات با من تماس گرفت بازجوی سابقم بود و





## راههای سبز

مشروعیت ندارد. او با انتشار بیانیه های مختلف نسبت به برخوردهای صورت گرفته با مردم اعتراض کرده و به حاکمان جمهوری اسلامی هشدار داده بود.

### تسلیمت همگان رسید، جز احمدی نژاد و دولت

#### مجاهدی که همه تحسینش کردند سارا اصفهانی

تمامی شخصیت های جمهوری اسلامی دیروز به مناسبت درگذشت آیت الله العظمی منتظری، مرجع تقلید شیعیان پیام فرستادند و نبودش را فقدان برای حوزه های علمیه و عالم تشیع خواندند. از آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی تا عباس امیر انتظام، قدیمی ترین زندانی سیاسی این نظام. در این میان غایب اصلی، محمود احمدی نژاد، و اعضای دولت وی بودند که با تشکیل ستاد بحران و صدور دستورالعمل ها، دیگران را هم از مشارکت در سوگواری آیت الله منتظری باز می داشتند. از دیگر غایبان می توان از رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس و نمایندگان مجلس نام برد که تا ساعات پایانی دیشب حتی یک اظهار نظر نیز در این خصوص نکردند. حجت اسلام احمد منتظری فرزند و رئیس دفتر مرحوم آیت الله منتظری در پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت پدرش وی را "بزرگ پاسبان تشیع علوی، رادمرد قهرمان و شجاع اسلام و ایران، اسطوره مقاومت، مجاهدت، فقاقت و دینداری و سرمایه ای کم یاب" خواند.

احمد منتظری در قسمتی از پیام خود نوشته است: "منتظری رفت اما خاطره مبارزات او برای تحقق جمهوری اسلامی با ماست. منتظری رفت اما حق گویی و آزادی او چراغ راه کسانی است که حلاوت سیره علوی را از درس نهج البلاغه او می جستند و در زندگی و روش او می یافتند. سالها زندان، شکنجه، تبعید، شهادت و جانبازی و تحمل مصائب در دوران ستمشاهی، خیرخواهی و سخت کوشی در رشد و بالیدن نهال انقلاب و جمهوری اسلامی و تلاش مسزولانه و صادقانه همراه با رهبر فقید انقلاب (ره) از او الگویی بی نظیر برای روحانیت شیعه ارائه کرد. زندگی او همه به تعلیم و تحقیق و تلاش برای عملی ساختن حقایق که یافته بود، گذشت. مرگ او نیز بی شک جانها و دلها را بیدار، و یاد او برای همیشه خاطره معطر انسان علوی (ع) و حسینی (ع) را تداعی خواهد کرد."

#### خاتمی: عالم زاهد و مجتهد والا قدر

سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور پیشین کشور نیز در پیامی درگذشت این مرجع اعظم شیعه را به خانواده و فرزند وی تسلیت گفت و نوشت: "عالم و متفکر و فقیه بزرگوار ریخ در نقاب خاک کشید که در عرصه علم و عمل همه عمر پربرت خود را در مسیری که رضایت خداوند را در آن می دانست مصروف کرد و برای خدا و خدمت به بندگان او و دفاع از میهن و مردم، رنجهای، در به دری ها و زندانها و شکنجه ها را با سینه ای گشاده تحمل کرد و عزیز ترین سرمایه اش یعنی فرزند عزیز و مجاهدش حجه الاسلام والمسلمین محمد منتظری را نیز تقدیم انقلاب و راه خدا کرد."

در مورد آیت الله منتظری به شدت تحت فشار قرار دارند، سیمای جمهوری اسلامی تنها در اخبار ساعت 14 ظهر خود آنهم در سومین خبر تنها اعلام کرد آیت الله منتظری از اساتید حوزه علمیه قم درگذشته است و هیچ اشاره دیگری به ایشان نکرد. اما حکایت رسانه های محافظه کار و دولتی جداست. خبرگزاری دولتی ایرنا، با تیتیر «منتظری در گذشت» به سوابق آیت الله منتظری اشاره کرد. این خبرگزاری ساعتی بعد بخش هایی از گزارش خود را درباره آیت الله منتظری را هم حذف کرد. خبرگزاری فارس هم در اولین خبر خود درباره درگذشت آیت الله منتظری از عنوان آیت الله استفاده کرده بود که بلافاصله این عنوان را از خبر خود حذف کرد.

خبرگزاریهای حامی دولت از عنوان آیت الله استفاده نکرده و برخی از آنان از لفظ آقا و برخی دیگر بدون هیچ عنوانی خبر را کار کرده و اکثرا آیت الله منتظری را یک مرجع تقلید معرفی کرده اند. رسانه های حامی محمود احمدی نژاد همچنین به نقل اختلافات آیت الله منتظری و آیت الله خمینی از زاویه دید خود پرداخته و سعی در برجسته کردن این مساله داشته اند.

وب سایت کلمه، متعلق به میر حسین موسوی در این زمینه اعتراض کرده و نوشته است: "خبرگزاری دولت با انتشار متن سراسر اهانتی حتی از ذکر عنوان «آقا» یا «آیت الله» برای ایشان خودداری کرد و به اهانتهای زنده به این عالم دینی فوت شده پرداخت."

بر اساس نوشته این وب سایت، مطابق با قوانین توهین به مراجع تقلید جرم مسلم محسوب شده و توهین به درگذشتگان اسلام نیز از زشتی بیشتری برخوردار است.

#### آیت الله منتظری در یک نگاه

آیت الله منتظری، در سال ۱۳۰۱ شمسی در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. او سابقه مبارزات قبل از انقلاب و چندین بار زندان را داشت. این مرجع تقلید شیعه، پس از انقلاب به عنوان قائم مقام رهبری و جانشین آیت الله خمینی انتخاب شد و همزمان مدتی ریاست مجلس خبرگان رهبری را نیز بر عهده داشت.

پس از اعدامهای گسترده مخالفان سیاسی در سال ۶۷ و اعتراض آیت الله منتظری به این اعدام ها و نیز بازداشت مهدی هاشمی، برادر هادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری، اختلافات بین این مرجع تقلید و آیت الله خمینی تا بدانجا بالا گرفت که منجر به عزل ایشان از سمت قائم مقامی رهبری شد.

آیت الله منتظری در سال ۱۳۷۱ در یک سخنرانی از سیاست های امنیتی - نظامی حکومت انتقاد کرد. پس از آن تعدادی از اطرافیان و نزدیکان ایشان بازداشت شدند.

او در سال ۱۳۷۶ نیز در سخنانی فراقانونی بودن رهبری را زیر سؤال برد و نسبت به حکومتی شدن مرجعیت هشدار داد و از اختیارات فراقانونی آیت الله خامنه ای انتقاد کرد.

در پی این سخنان، حسینیه و دفتر آیت الله منتظری تخریب و اشغال شد و او چند سال تحت حصر خانگی قرار گرفت که در واپسین سال ریاست جمهوری سید محمد خاتمی موانع ایجاد شده در اطراف منزل او برچیده شد.

آیت الله منتظری بعد از کودتای انتخاباتی 22 خرداد نیز رسماً اعلام کرد که دولت محمود احمدی نژاد

رسماً گفت که قبل از رسیدن به قم بازداشته می کنند. این تهدید ها فقط در سطح تهدید باقی نماند و نیروهای امنیتی اتوبوس حامل جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی، فعالان جنبش زنان و اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر را که برای شرکت در مراسم تشییع پیکر آیت الله منتظری قصد سفر به قم را داشتند، متوقف و چندین نفر از آنها را بازداشت کرد.

سایت کلمه گزارش داده است که حداقل ۱۵ خودروی پژو اتوبوس مورد نظر را در میدان انقلاب تهران محاصره کردند و افراد لباس شخصی با ورود به اتوبوس خواستار خاموش کردن موبایل سرنشینان اتوبوس شدند و تعدادی از آنان را بازداشت کردند. بر اساس همین گزارش، این افراد پس از آن اتوبوس خانواده زندانیان سیاسی را مجبور به ترک محل کرده و خطاب به حاضرین گفته اند اگر با وسیله دیگری هم بروید در پلیس راه جلوی شما گرفته خواهد شد.

#### سانسور مطالب مربوط به آیت الله منتظری

از سوی دیگر بر اساس دستورالعمل وزارت ارشاد که روز گذشته به تمام روزنامه ها ارسال شد هیچ روزنامه ای نباید در مورد درگذشت آیت الله منتظری به درج گزارش و اخبار غیر رسمی و دولتی مبادرت کند.

بر اساس این دستورالعمل که ظهر دیروز به صورت تلفنی و نیز کتبی به تمام روزنامه ها ابلاغ شد روزنامه ها فقط می توانند طی یک خبر کوتاه تنها به درگذشت آیت الله منتظری اشاره کنند و همچنین ملزم به درج این مساله در خبر خود هستند که «آیت الله منتظری در اواخر حیات آیت الله خمینی با ایشان دچار اختلاف شده و از این رو از نیابت رهبری عزل شده بود.»

اما این تنها پایان ماجرا نیست. علاوه بر این، عصر دیروز نمایندگانی از وزارت ارشاد و به نمایندگی از محمد علی رامین معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد به روزنامه های اصلاح طلب از جمله اندیشه نو، اعتماد، فرهیختگان، مردمسالاری و غیره اعزام شدند تا مسوولین این روزنامه ها را از عواقب وخیم درج چنین اخباری آگاه کنند.

این نمایندگان به صراحت اعلام کردند مجازات درج اخبار وسیعتر و پوشش بی طرفانه، توقیف روزنامه خواهد بود. آنها مصرانه تاکید کردند که به هیچ وجه حتی نباید در مورد زمان تشییع جنازه آیت الله منتظری و محل دفن او اطلاع رسانی شود.

از این گذشته از غروب دیروز چند مامور در چاپخانه های تهران حضور یافتند و با ارائه نامه ای که نشان می داد نماینده معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد هستند، اعلام کردند برای بازخوانی متن روزنامه ها قبل از انتشار در اینجا حضور یافته اند.

این ماموران به ویژه با زینک اول روزنامه اعتماد دچار مشکل و خواستار تغییر آن شدند. در این راستا فردی که خود را "غلامی" معرفی کرده بود در

روزنامه اعتماد حضور یافته و خواهان درج خبر تسلیت آیت الله خامنه ای به عنوان خبر درگذشت آیت الله منتظری شده و هشدار داده است که تمام اخبار و گزارش های دیگر باید حذف شوند. آنها همچنین گفته اند هیچ عکسی از آیت الله منتظری نباید در صفحه اول روزنامه ها منتشر شود.

در حالیکه روزنامه ها برای انعکاس هرگونه خبری

**مطبوعات جهان**
**مقاله تلگراف درباره پیامدهای درگذشت رهبر معنوی سبز مرگ منتظری به اعتراضات دامن می زند ریچارد اسپنسر**

به دنبال درگذشت آیت الله العظمی حسینعلی منتظری، دانشجویان با سر دادن شعارهایی در طرفداری از اصلاحات، محوطه دانشگاه های ایران را به تسخیر خود درآوردند. او در سن 87 سالگی در اثر عارضه قلبی درگذشت و ناصر منتظری، نوه وی، اعلام کرد آیت الله هنگام خواب درگذشته است.

آیت الله منتظری در ابتدا همراه آیت الله روح الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران بود و در دهه 1980، به عنوان جانشین مسلم خمینی محسوب می شد.

اما همزمان با مخالفت های آیت الله منتظری با ماهیت دیکتاتوری رژیم، خصوصاً بر سر ماجرای کشتار فله ای اعضای گروه های مخالف در سال های قبل از مرگ آیت الله خمینی، به شدیدترین منتقد وی تبدیل شد.

او پنج سال از عمرش در دهه 1990 را در حبس خانگی گذراند و حتی پس از رهایی از این حبس، به مخالفت ها ادامه داد و سرکوب های رژیم را محکوم می کرد. وی انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد در اوائل سال جاری را نیز مورد انتقاد قرار داده بود.

با همه این اوصاف، او در شهر قم باقی ماند. شهر مقدس قم، زادگاه رژیم محسوب می شود. طرفداران آیت الله منتظری از تمام نقاط کشور در حال ورود به شهر قم هستند تا در مراسم تشییع جنازه وی که قرار است روز دوشنبه برگزار شود، شرکت کنند.

وب سایت های اصلاح طلب شب گذشته از به راه افتادن برخی تجمعات در شهر تهران خبر دادند. ناصر منتظری گفت: «بدر بزرگ من شب گذشته هنگام خواب جان به جان آفرین تسلیم کرد. دوستان و مردم برای عرض تسلیت به اینجا می آیند، اما هیچ تمهیداتی خاصی در اطراف منزل در نظر گرفته نشده است.»

وب سایت تغییر، وابسته به مهدی کروبی نامزد شکست خورده انتخابات اخیر، اعلام کرد: «شبکه اجتماعی جنبش اصلاحات از طرفدارانش خواسته است تا برای عزاداری در میدان محسنی تجمع کنند. بر اساس گزارش های دریافتی، مردم از همین حالا در برخی میادین شهر تهران تجمع کرده اند.»

با نگرانی هایی که از تبدیل مراسم عزاداری به یک تظاهرات جدید برای مخالفان وجود دارد، نیروهای امنیتی بیشتری تا عصر دیروز به حالت آماده باش درآمده اند. وب سایت تغییر اعلام شد گزارش هایی از دیده شدن یگان های ضد شورش در نقاط مختلف قم دریافت شده است. فایل های ویدئویی نیز از اواسط بعد ظهر گذشته در وب سایت یوتیوب قرار داده شده که تجمع دانشجویان در دانشگاه ها و سر دادن شعارهایی در گرامیداشت یاد آیت الله را به تصویر می کشند. در یکی از این ویدئوها، آنها شعار می دهند: «منتظری، بالاخره آزادی.»

مغازه ها در شهر نجف آباد، زادگاه آیت الله منتظری، به حال تعطیل درآمده و جمعیت به خیابان ها ریختند. عزاداران شعار می دادند: «منتظری بیگناه، راهت ادامه دارد.»



**آیت الله بیات زنجانی: در معرفت همانند سلمان**  
آیت الله بیات زنجانی از دیگر مراجع تقلید نیز در بیانیه ای آیت الله منتظری را "در معرفت همانند سلمان و در زندگی دنیایی همانند اباندر و در دفاع از حریم اسلام و فقاقت جعفری(ع) نظیر مفید" دانست.

**گروهها و تشکل های ملی**  
نهضت آزادی ایران، شورای فعالان ملی مذهبی، حزب ملت ایران، جاما، جبهه ملی ایران، جنبش مسلمانان مبارز، جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران، دفتر تحکیم وحدت و دفتر ادوار تحکیم وحدت در بیانیه مشترکی درگذشت آیت الله منتظری را تسلیت گفتند و از مردم دعوت کردند در مراسم سوگواری آن مرحوم شرکت کنند. در این بیانیه مشترک آیت الله منتظری شخصیتی خوانده شده که پس از نیم قرن مبارزه با استبداد در "بیست سال اخیر ضمن تحمل انواع حصرها و محدودیت ها کماکان مدافع حقوق انسان ها" بوده است.

**جبهه مشارکت: مجتهدی زمانشناس و ستم ستیز**  
جبهه مشارکت ایران اسلامی در اطلاعیه ای درگذشت آیت الله منتظری را تسلیت گفت و ایشان را "اسوه یک عالم دینی و مجتهدی زمانشناس و ستم ستیز در همه عمر بود و جز بر مدار حق و عدل زندگی نکرد و عطای دفاع از حقوق انسان را به لقای قدرت بخشید" خواند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "او در روزگار ما چراغ راهی برای تلفیق دینداری و سیاست و پایبندی به حقوق بشر در متن آموزه های اسلامی بود و تا آخرین لحظه حیات از نورافشانی برای جلوگیری از آفت ها و انحرافات و کجی ها و بی عدالتی هایی درخت "جمهوری اسلامی ایران"، که با مجاهدت و خون دل پرورده بود، خود داری نکرد و زندگی خود را وقف اعتلای کلمه حق کرد و از هیچ ملامت و سختی و هزینه ای ... نهراسید."

**مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم: عصاره فضایل علمی**

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز که یک تشکل اصلاح طلب روحانی است در بیانیه ای آیت الله منتظری را عصاره فضایل حال حاضر حوزه های علمیه سراسر کشور دانست. این تشکل روحانی در بیانیه خود نوشته است: "هنر منتظری تنها در فهم و درک عمیق دینی نبود. او در تمام فرز و نشیب های زندگی اش این همه تمام نمای عمل دینی نیز بود. مبارزه با فحشاء ستمشاهی و تحمل زندان و شکنجه و درد و رنج، حقگویی و استقامت در مسیر تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی، خیرخواهی و از خود گذشتگی در برابر مصالح مردم و جامعه و فریفته نشدن به عناوین و مقامات اعتباری دنیای بی اعتبار، رفتاری عزت مندانه ای بود که از انسانهای عزیز الوجودی چون او سرفرازی می نمود."

**سازمان مجاهدین انقلاب: حق گرای و شجاعت بی مانند**  
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم با صدور اطلاعیه ای در گذشت آیت الله منتظری را که "عالمی خداترس و دین باور، ژرف اندیش و آگاه به زمانه و عزیز و آزاده بود" به مردم تسلیت گفت. این حزب سیاسی در قسمتی از اطلاعیه اش نگاشته است: "حق گرای و صراحت و شجاعت او نشانی از زلال حق گرای و صراحت و شجاعت علوی داشت و علم و دانش بی مانندش مخالفانش را نیز به اعتراف و تکریم وامی داشت. او از جمله عالمان ربانی و آخرت اندیشی بود که گوهر نیاب و نیاز مبرم زمانه و حجت مسلمانی ما و افتخار دینداری و دلیل راه دیندارانند. و چه تأسف بار است از دست دادن علمی چون او در زمانه ای که بیش از هر زمان دیگری به وجودش نیازمند بودیم. و به راستی اگر نبود اعتقاد به خداوند متعال و اعتماد به مشیت حکیمانه او چه سخت و ناباورانه می نمود از دادن انسان های بزرگی همچون او."

**هاشمی رفسنجانی: ثلمه ای برای حوزه های علمیه**  
هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیام کوتاهی فقدان آیت الله منتظری را ضربه ای به حوزه های علمیه دانست و ابراز امیدواری کرد که مجموعه آثار آن بزرگوار بتواند این خلاء را تاحدی جبران کند. هاشمی با تسلیت این مصیبت به "آیات عظام و شاگردان ایشان و حوزه های علمیه، مقلدان و مردم شریف استان اصفهان و شهرستان نجف آباد" برای آن مرحوم "واستار آموزش از درگاه احدیت" شده است.

**آیت الله طاهری همیشه بدنبال استیفای حقوق مردم**  
آیت الله سیدجلال طاهری اصفهانی، روحانی برجسته و امام جمعه سابق اصفهان در پیامی آیت الله منتظری را در زمره افرادی معرفی کرد که یک لحظه از استیفای حقوق مردم دست نکشید. وی در این پیام که خطاب به حجت الاسلام احمد منتظری نگاشته شده نوشته است: "آن بزرگ مرد که استوانه فقاقت، تقوی، زهد، مجاهدت و عرفان بود سراسر عمر خویش را در ترویج معارف حقه قرآن و اهل بیت و نمایاندن چهره ناب اسلام محمدی (ص) سپری نموده و همواره بر استیفای حقوق حقه مردم پافشاری نمود."

**سیدحسن خمینی: ضایعه ای بر جان حوزه علمیه**  
حجت الاسلام سید حسن خمینی مسئول دفتر و وارث ارشد آیت الله خمینی نیز در پیامی درگذشت آیت الله منتظری را ضایعه ای برای حوزه های علمیه دانست و از وی به عنوان شخصیتی یاد کرد که بیشتر "عمر شریف خویش را در مسیر پیشبرد اهداف عالی اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی سپری کرد."

**آیت الله صناعی: شیخ ما و استاد ما درگذشت**  
آیت الله العظمی صناعی از مراجع تقلید در پیامی به مناسبت درگذشت آیت الله منتظری از وی بعنوان شیخ و استاد خود نام برد.

آیت الله صناعی در پیامش نوشته است: "امید آنکه خداوند قادر و توانا و مهربان به همگان توفیق ادامه راهش را که همان ترویج از اسلام راستین یعنی تسلیم در مقابل حق و عدالت که همان تسلیم در مقابل کمال مطلق ذات باری تعالی باشد را عنایت فرموده و حیات و ماماتان را همراه با حب اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که در طول تاریخ، همیشه با ظالمین به مبارزه برخاسته و با مظلومیت همه جانبه به شهادت رسیدند، قرار دهد."

**عباس امیر انتظام: پایبند به اصول اخلاقی**  
عباس امیر انتظام اولین سخنگوی دولت در جمهوری اسلامی و قدیمی ترین زندانی سیاسی نظام اسلامی نیز در پیامی درگذشت آیت الله منتظری را متأثر کننده دانست و وی را از معنود شخصیت های برجسته دینی خواند که به اصول اخلاقی در زندگی اجتماعی پایبند بودند. وی در قسمتی از پیام خود نوشته است: "دفاع ایشان از حقوق زندانیان سیاسی در دوران تاریک دهه شصت برای ایشان اعتبار و احترام زیادی در جامعه ایجاد کرد. رفتار و منش انسانی ایشان نشان داد که دین در خارج از حوزه قدرت عمومی به خوبی می تواند در خدمت ارزش های مشترک بشری قرار گیرد."

**آیت الله خامنه ای: فقیهی متبحر و استادی برجسته**  
آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در پیامی درگذشت آیت الله العظمی منتظری را تسلیت گفت و وی را "فقیهی متبحر و استادی برجسته برای حوزه های علمیه" دانست که شاگردان زیادی از محضر وی استفاد کرده بودند. وی در بخشی از پیام خود نوشته است: "اورانی طولانی از زندگی آن مرحوم در خدمت نهضت امام راحل عظیم الشان گذشت و ایشان مجاهدات زیادی انجام داده و سختی های زیادی در این راه تحمل کردند. در اواخر دوران حیات مبارک امام راحل امتحانی دشوار و خطیر پیش آمد که از خداوند متعال می خواهم آن را با پوشش مغفرت و رحمت خویش ببوشاند و ابتلائات دنیوی را کفاره آن قرار دهد."



## یلدا و ارتباط آن با کریسمس ... یلدای ما روز است نه شب! بهرام گرامی

درباره شب یلدا تا کنون مطالب بسیار گفته و نوشته شده، گاه آمیخته با اسطوره و افسانه و گاه با داستان هانی از برپائی رسم و آیین آن در مناطقی از کشورمان. در این مختصر کوشش گردیده تا دور از داستانسرازی و افسانه پردازی، سابقه و اصالت یلدا و ارتباط آن با مسیحیت در حد امکان روشن گردد.

اول - یلدا واژه ایست سُرپائی به معنی میلاد، و سُرپائی نام زبانی است که مردم سوریه و شمال عراق قبل از میلاد مسیح و تا چند قرن بعد از آن یعنی تا ظهور اسلام با آن صحبت می کرده اند و رابطه تنگاتنگ با زبان یونانی دارد. صد البته که بلافاصله این سؤال پیش می آید: میلاد چه کسی؟

دوم - آنچه اکنون به نام شب یلدا معروف است بلندترین شب سال در نیمکره شمالی است و میباید کسی فکر کند که چون یلدا و بلند هر دو تاشان حروف لام و دال را به همان ترتیب دارند، لابد یک جوری بهم مربوط می شوند! در هر حال، بلندترین شب سال مصادف است با کوتاه ترین روز سال، یعنی از فردای چنین شبی روزها به تدریج بلندتر می شود، گوئی روز اول دی روز تولد خورشید است و از آن روز بعد خورشید چون طفل نوزاد هر روز رشد می کند، یعنی روزها بلندتر می شود، و اگر در سراسر عالم بگردیم می بینیم فقط خورشید است که هر جا متولد شود همان جا روز است، یعنی تولدش نمی تواند شب باشد! ولی همچون مناسبت های دیگر مانند تولد افراد، سالگردها، عید و چهارشنبه سوری یلدا همیشه شب قبل از آن را جشن می گیرند. البته خواهیم دید که نام روز تولد خورشید از ابتدا یلدا نبوده است.

سوم - اهمیت خورشید نه چیز تازه ای است و نه در آینده از آن کاسته خواهد شد. در مدرسه می خواندیم که "خورشید سرچشمه انرژی عالم است"، ولی توضیح نمی دادند چرا؟! بدون خورشید هیچ گونه گیاه سبز وجود نخواهد داشت، و در چرخه حیات بر روی کره زمین بدون گیاهان سبز هیچ جانوری هم وجود نخواهد داشت، زیرا در زنجیره نیاز موجودات به یکدیگر جانوران گوشتخوار مجبور به تغذیه از جانوران علفخوار می شوند. البته قضیه بیش از این هاست و شامل تشکیل مواد سوختی فسیلی مانند نفت هم می شود.

چهارم - بر این اساس، مردمان عهد قدیم، پیش از آیین زردشت، خورشید را مقدس ترین موجود می دانستند و آن را می پرستیدند، و طبعاً این بلندتر شدن روزها مهم ترین پدیده برای آنان بشمار می رفته است. دو کلمه مهر و میترا به معنی خورشید هستند و همه این چیز هانی را که اینجا و آنجا از میترا نیسم و آئین مهر و مهرپرستی و ایزد مهر و معبد خورشید و هر چه دیگر از این دست می شنویم همه از این باور دیرینه و مقدس بودن خورشید سرچشمه گرفته است.

پنجم - مهرپرستی یا میترا نیسم از مرزهای ایران فراتر رفت. در اروپا گسترش پیدا کرد و مهرابه هانی که پرستشگاه پیروان آئین مهری بود در اروپا ساخته شد. پادشاهان روم به مهرپرستی گرویدند و آئین مهر برای چند قرن آیین رسمی امپراتوری روم شد. رومیان تولد مهر را "ناتالیس انویکتوس" (natalis = noel = birth) یعنی "تولد مهر شکست ناپذیر" می نامیدند و جشن می گرفتند و آن را آغاز سال می دانستند. حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن ها جلوگیری کنند. اولیای دین جدید پی بردند که کبر انداختن برخی سنت های آیین مهر مشکل است و یاد آن همچنان در خاطر ها زنده می ماند.

ششم - تولد عیسی مسیح بر هیچ کس به درستی معلوم نیست، نه سالش و نه روزش، و پر واضح که اگر معلوم بود اختلاف و کشمکش بر سر آن قرن ها ادامه پیدا نمی کرد. آن را ششم ژانویه، اول مارس، پانزدهم سپتامبر و روزی هم در نوامبر گفته اند. کنستانتین امپراطور روم که به پدر کلیسا مشهور است در سال 314 میلادی آیین مسیح را جانشین میترا نیسم نمود و چون می خواست حساب دو جشن مسیحیان و یهودیان را که همزمان بودند از هم جدا کند، با استفاده از ابهام در تاریخ تولد عیسی و با این بهانه که مسیحیان عیسی را مظهر نور می دانند، عملاً تولد مهر یا میلاد ایزدمهر را به میلاد مسیح تبدیل کرد و تاریخ تولد عیسی را روز 22 دسامبر تعیین نمود که به واسطه اختلاف در محاسبات کیبسه گیری بعداً به 25 دسامبر تغییر یافت. نخستین بار در تقویم Philocalus در سال 354 میلادی از 25 دسامبر بعنوان روز تولد مسیح نام برده شده است. بد نیست بدانیم در زمان ابوریحان بیرونی دی ماه را "خور ماه" به معنی خورشید ماه نیز می گفتند و بعدها دی با مفهوم آفتاب و روشنائی به شکل day به معنی ساعات روشن روز وارد زبان انگلیسی شد و امروزه به معنی 24 ساعت به کار می رود. روز خورشید یا مهر روز (Sunday) را هم روز مقدس مسیحی (یکشنبه) قرار دادند. دائرةالمعارف بریتانیکا به شباهت های آشکار بین میترا نیسم و مسیحیت اشاره دارد.

هفتم - مسیحیان سُرپائی میلاد مسیح را در زبان خود یلدا نامیدند و ایرانیان که با سُرپائی ها همجوار و در ارتباط بودند این واژه را از آنان گرفتند و برای نامیدن همان روزی که از قرن ها قبل به خاطر زایش خورشید برایشان مهم و مقدس بود و حالا مناسبت تازه ای هم پیدا کرده بود و روز تولد عیسی شده بود به کار بردند و این روز را یلدا نامیدند.

بنابر این، یلدا نامی است که مسیحیان سُرپائی برای تولد عیسی به کار برده اند و ایرانیان آن را برای همان روز که آغاز بلند شدن روزها یا تولد خورشید بوده به کار می برند.

\*\*\*

شاعران فارسی زبان از یلدا بسیار گفته اند، از جمله سه شاعر صاحب نام متعلق به نهصد تا هزار سال پیش به ارتباط مستقیم یلدا و مسیح اشاره کرده اند. دو بیت متوالی زیر از ناصر خسرو (1003 تا 1088 میلادی) است که در آن ترسا به معنی مسیحی و لیل قدر همان شب قدر مسلمانان است:

گر زی تو قول ترسا مجهول است

معروف نیست قول تو زی ترسا  
یکشنبه است از تو آدینه  
تو لیل قدر داری و او یلدا  
دو بیت متوالی زیر از امیر معزی (متوفی 1125 میلادی) است که در آن به مهر و ترسا هر دو اشاره دارد:

ایزد دادار مهر و کین تو گوئی  
از شب قدر آفرید و از شب یلدا  
زانکه به مهرت بود تقرب مؤمن  
زانکه به کینت بود تافخر ترسا  
دو بیت متوالی زیر از سنائی (متوفی 1155 میلادی) نیز معلوم می دارد که یلدا قبلاً وجود داشته ولی با قرار دادن آن به عنوان زاد روز عیسی معروف تر شده است:

چو علم آموختی، از حرص آن گه ترس، کاندز شب  
چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا  
به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی که از  
یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا  
حافظ در بیت زیر ملال همنشینی با حاکمان (ستم پیشه) را به بلندی شب یلدا تشبیه نموده و توکل می کند که با طلوع خورشید عدالت شب تاریک به پایان رسد:

صحبت حُکام ظلمت شب یلداست  
نور ز خورشید خواه بو که بر آید  
در شعر پارسی، بلندی گیسوی یار را به شب یلدا  
مانند کرده اند، با سه بیت به ترتیب از سعدی، صائب و خواجوی کرمانی:

روز رویش چون بر انداخت نقاب از سر زلف  
گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست  
می کند زلف دراز تو به دل های حزین  
آنچه با خسته روانان شب یلدا نکند  
هست در سالی شبی ایام را یلدا ولیک  
کس نشان ندهد که ماهی را دو شب یلدا

بود

معنی بیت بالا: [هر سال فقط یک شب یلدا دارد، ولی کسی ندیده که در یک ماه (با کنایه از رخسار همچون ماه او) دو شب یلدا (با کنایه از دو دسته موی سیاه معشوق) وجود داشته باشد.]

دوران فراق و دوری از معشوق را هم که در چشم عاشق طولانی می نماید به شب یلدا تشبیه کرده اند، با سه بیت به ترتیب از اوحدی مراغه ای، سعدی و فروغی بسطامی:

شب هجرانت ای دلبر شب یلداست پنداری  
رخت نوروز و دیدار تو عید ماست  
پنداری  
نظر به روی تو هر بامداد نوروزیست  
شب فراق تو هر شب که هست یلدا نیست  
من از روز جزا واقف نبودم  
شب یلدا ی هجران آفرینند

در میان ما ایرانیان هنوز این رسم بر جای مانده که در بلندترین شب سال، یا شب چله، افراد خانواده گرد هم آیند و آجیل و شیرینی خورند، آنها که گرم مزاجند خنکی مانند هندوانه آنها که سرد مزاجند گرمی مانند خرما و انجیر و ارده شیر خورند تا طبع و مزاجشان برگردد. با حرف و خاطره و فال حافظ تا دیرگاه و نزدیک سحر و گاه تا طلوع آفتاب بیدار نشینند تا برآمدن آفتاب را نظاره کنند ... رسمی که در غبار زمان رنگ باخته و نام و نشان از دست داده، و آئینی که صدا و سیمایش در هیاهو و سیطره مسیحیت به سختی شنیده و دیده می شود.





## تولد خورشید مبارک باد

### یلدا

#### شهلا بهار دوست

نگاه کن،

چه پر شور میان کوچه های شب،  
برای عاشقان مست، سرمه کشیده ماه!  
نگاه کن،

از پس این همه شور در این شب دراز  
بر تن برهنه سحر  
نشسته باز رنگ آفتاب، رنگ خواستن  
رنگ بی رنگی ما  
نگاه کن،

در چرخ مشتاقانه زمین  
چشمهای خمار، دستهای بی نیاز، پاهای بی هراس  
برای هم چه دو دو می زنند  
نگاه کن،

درازترین آهنگ شب  
برای رقص پروانه ها  
برای آغوشهای جفت جفت  
برای خوانش شعری تازه چه تند می شود  
بیبا، بیبا

تو با من، من با تو، با برفی که نشسته امشب  
برای یلدا لای لایی دیگر بخوانیم.



<p><a href="http://unblockedbebo.info/">http://unblockedbebo.info/</a></p> <p><a href="http://x105f.info/">http://x105f.info/</a></p> <p><a href="http://eproxy.site/info/">http://eproxy.site/info/</a></p> <p><a href="http://85unlocknow.info/">http://85unlocknow.info/</a></p> <p><a href="http://ipmagick.info/">http://ipmagick.info/</a></p> <p><a href="http://schoolproxywebsites.cn/">http://schoolproxywebsites.cn/</a></p> <p><a href="http://eproxy.site/info/">http://eproxy.site/info/</a></p> <p><a href="http://admitfirst.info/">http://admitfirst.info/</a></p> <p><a href="http://soroxy.fileave.com/">http://soroxy.fileave.com/</a></p> <p><a href="http://www.beginquick.info/">http://www.beginquick.info/</a></p> <p><a href="http://unblockedbebo.info/">http://unblockedbebo.info/</a></p> <p><a href="http://02012.info/">http://02012.info/</a></p> <p><a href="http://02013.info/">http://02013.info/</a></p> <p><a href="http://02014.info/">http://02014.info/</a></p> <p><a href="http://bestschoolproxy.cn/">http://bestschoolproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://enewproxy.info/">http://enewproxy.info/</a></p> <p><a href="http://blockedfacebookproxy.cn/">http://blockedfacebookproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://google12.net/">http://google12.net/</a></p> <p><a href="http://www.dartall.info/">http://www.dartall.info/</a></p> <p><a href="http://vistaproxy.uni.cc/">http://vistaproxy.uni.cc/</a></p> <p><a href="http://blockedfacebookproxy.cn/">http://blockedfacebookproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://ta1055.info/">http://ta1055.info/</a></p> <p><a href="http://pinkdot.info/">http://pinkdot.info/</a></p> <p><a href="http://lemonbox.info/">http://lemonbox.info/</a></p> <p><a href="http://proxify.tv/">http://proxify.tv/</a></p> <p><a href="http://proxycros.co.cc/">http://proxycros.co.cc/</a></p> <p><a href="http://newfacebookproxy.cn/">http://newfacebookproxy.cn/</a></p> <p><a href="https://fl.mikattammi.com/pn/">https://fl.mikattammi.com/pn/</a></p> <p><a href="http://soroxy.fileave.com/">http://soroxy.fileave.com/</a></p> <p><a href="http://bypassbluecoat.info/">http://bypassbluecoat.info/</a></p> <p><a href="http://bypasscheat.info/">http://bypasscheat.info/</a></p> <p><a href="http://bypassfool.info/">http://bypassfool.info/</a></p> <p><a href="http://bluecoatproxy.info/">http://bluecoatproxy.info/</a></p> <p><a href="http://www.dailyfind.info/">http://www.dailyfind.info/</a></p> <p><a href="http://proxyanonym.com/">http://proxyanonym.com/</a></p> <p><a href="http://www.guessed.info/">http://www.guessed.info/</a></p> <p><a href="http://cashcontest.info/">http://cashcontest.info/</a></p> <p><a href="http://bypassinternet.info/">http://bypassinternet.info/</a></p> <p><a href="http://anonymousinternetsurfing.info/">http://anonymousinternetsurfing.info/</a></p>	<p><a href="http://66.90.77.3/~pro/">http://66.90.77.3/~pro/</a></p> <p><a href="http://www.mapopen.com/p/">http://www.mapopen.com/p/</a></p> <p><a href="http://www.fluxa.info/">http://www.fluxa.info/</a></p> <p><a href="http://soroxy.fileave.com/">http://soroxy.fileave.com/</a></p> <p><a href="http://internetcloak.com/">http://internetcloak.com/</a></p> <p><a href="http://www.hashseek.net/">http://www.hashseek.net/</a></p> <p><a href="http://zankaweb.info/blocked/">http://zankaweb.info/blocked/</a></p> <p><a href="http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/">http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/</a></p> <p><a href="http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/">http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/</a></p> <p><a href="http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/">http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/</a></p> <p><a href="http://79.170.40.49/only1internet.co.uk/downloads/">http://79.170.40.49/only1internet.co.uk/downloads/</a></p> <p><a href="http://79.170.40.49/hoolaloops.com/downloads/">http://79.170.40.49/hoolaloops.com/downloads/</a></p> <p><a href="http://fallcan.info/">http://fallcan.info/</a></p> <p><a href="http://www.xp6.info/">http://www.xp6.info/</a></p> <p><a href="http://proxy.diekhoff.eu/">http://proxy.diekhoff.eu/</a></p> <p><a href="http://wap.igma.tv/anoadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi">http://wap.igma.tv/anoadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi</a></p> <p><a href="http://www.perlproxy.com/">http://www.perlproxy.com/</a></p> <p><a href="http://www.carlmozetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl">http://www.carlmozetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl</a></p> <p><a href="http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi">http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi</a></p> <p><a href="http://www.nivol.net/">http://www.nivol.net/</a></p> <p><a href="http://anonymousaccess.info/">http://anonymousaccess.info/</a></p> <p><a href="http://cultlegend.com/">http://cultlegend.com/</a></p> <p><a href="http://hidemyself.co.tv/">http://hidemyself.co.tv/</a></p> <p><a href="http://www.firstip.info/">http://www.firstip.info/</a></p> <p><a href="http://www.please-just-come-here.info/">http://www.please-just-come-here.info/</a></p> <p><a href="http://secondip.info/">http://secondip.info/</a></p> <p><a href="http://anonymousschoolproxy.cn/">http://anonymousschoolproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://unblockeddigg.info/">http://unblockeddigg.info/</a></p> <p><a href="http://soroxy.fileave.com/">http://soroxy.fileave.com/</a></p> <p><a href="http://www.resellersvip.com/">http://www.resellersvip.com/</a></p> <p><a href="http://blej.info/">http://blej.info/</a></p> <p><a href="http://www.unblock101.info/">http://www.unblock101.info/</a></p> <p><a href="http://www.cheesecamera.com/">http://www.cheesecamera.com/</a></p> <p><a href="http://www.easylinks.info/">http://www.easylinks.info/</a></p> <p><a href="http://www.resellersbasement.info/">http://www.resellersbasement.info/</a></p>	<p><b>فیلتر شکن های جدید</b></p> <p><a href="http://blue.xp6.info/">http://blue.xp6.info/</a></p> <p><a href="http://www.badkid.info/">http://www.badkid.info/</a></p> <p><a href="http://forexmicro.info/">http://forexmicro.info/</a></p> <p><a href="http://httpsanonymous.info/">http://httpsanonymous.info/</a></p> <p><a href="http://www.fallnow.info/">http://www.fallnow.info/</a></p> <p><a href="http://admitsite.info/">http://admitsite.info/</a></p> <p><a href="http://easeforyou.info/">http://easeforyou.info/</a></p> <p><a href="http://penguin-proxy.info/">http://penguin-proxy.info/</a></p> <p><a href="http://unblockedtechnorati.info/">http://unblockedtechnorati.info/</a></p> <p><a href="http://tuxproxy.info/">http://tuxproxy.info/</a></p> <p><a href="http://newwebproxy.cn/">http://newwebproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://www.xp6.info/">http://www.xp6.info/</a></p> <p><a href="http://xopen21.info/">http://xopen21.info/</a></p> <p><a href="http://www.xp5.info/">http://www.xp5.info/</a></p> <p><a href="http://phpproxywebproxy.cn/">http://phpproxywebproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://www.firstip.info/">http://www.firstip.info/</a></p> <p><a href="http://schoolproxysites.info/">http://schoolproxysites.info/</a></p> <p><a href="http://2009.xp5.info/">http://2009.xp5.info/</a></p> <p><a href="http://itsmine.co.tv/">http://itsmine.co.tv/</a></p> <p><a href="http://viewschoolproxy.cn/">http://viewschoolproxy.cn/</a></p> <p><a href="http://www.vistaproxy.uni.cc/">http://www.vistaproxy.uni.cc/</a></p> <p><a href="http://www.masking.uni.cc/">http://www.masking.uni.cc/</a></p> <p><a href="http://www.badidea.info/">http://www.badidea.info/</a></p> <p><a href="http://maktoobprox.co.cc/">http://maktoobprox.co.cc/</a></p> <p><a href="http://soroxy.fileave.com/">http://soroxy.fileave.com/</a></p> <p><a href="http://webproxyurl.cn/">http://webproxyurl.cn/</a></p> <p><a href="http://gumtreeprox.co.cc/">http://gumtreeprox.co.cc/</a></p> <p><a href="http://pokerprox.co.cc/">http://pokerprox.co.cc/</a></p> <p><a href="http://playprox.co.cc/">http://playprox.co.cc/</a></p> <p><a href="http://beboprox.co.cc/">http://beboprox.co.cc/</a></p> <p><a href="http://unblockproxyweb.cn/">http://unblockproxyweb.cn/</a></p> <p><a href="http://server4surf.co.cc/">http://server4surf.co.cc/</a></p> <p><a href="http://unblockedflickr.info/">http://unblockedflickr.info/</a></p> <p><a href="http://forexarbitrage.info/">http://forexarbitrage.info/</a></p> <p><a href="http://anonymouslist.info/">http://anonymouslist.info/</a></p> <p><a href="http://prettyteacher.co.tv/">http://prettyteacher.co.tv/</a></p> <p><a href="http://www.helloteacher.info/">http://www.helloteacher.info/</a></p>
--	--	---